



سرمقاله

۶

## جامعه بدون فرهنگ، جامعه‌ای عریان است

طرح نو؛ سردبیر  
فرهنگ، همچون روحی در کالبد جامعه جاری است. اگر اقتصاد را ابزار حرکت و سیاست را نظام هدایت بدانیم، فرهنگ در حکم «هویت» جامعه است؛ عنصری که غیابش نه سکوت می‌آورد، بلکه خلأیی هولناک از معنا، همدلی و جهت‌گیری را بر جای می‌گذارد. جامعه بدون فرهنگ، جامعه‌ای عریان است؛ زیرا فرهنگ همان پوشش نامرئی اما حیاتی است که به زندگی اجتماعی حرمت، نظم و معنا می‌بخشد.  
فرهنگ را می‌توان به زبان ساده «طرز بودن انسان در جامعه» دانست. انسان تا زمانی که تنهاست، ممکن است اندیشه و رفتار فردی داشته باشد، اما به محض ورود به اجتماع، قالبی برای سنجش، داور و تعامل نیاز دارد. اینجاست که فرهنگ، یعنی مجموعه‌ای از باورها، ارزش‌ها، آداب و الگوهای رفتاری، تبدیل به نظامی نانوشته می‌شود که روابط انسانی را سامان می‌دهد. بی‌فرهنگی، همانند حیات بدن بدون دستگاه عصبی است؛ شاید جسمی وجود داشته باشد، اما از هوشیاری.....

شهری

۸

در دیدار شهردار تبریز با مدیر کل صداوسیما مرکز  
آذربایجان شرقی مطرح شد:  
**ارتقای کیفیت زندگی و افزایش  
رضایتمندی شهروندان،  
هدف غایی مدیریت شهری**

فرهنگ و ادب

۴

## توان ملی؛ رمز اقتدار

گزارش

۲

اشتباه راهبردی آمریکا در ونزوئلا؛

## قانون جنگل در لباس دموکراسی

اطمینان از برتری قدرت اقتصادی و نظامی ایالات متحده، این خط قرمز حقوقی را زیر پا گذاشت و نظم جهانی را به سخره گرفت. در ظاهر ماجرا، موضوع بر سر «نفث ونزوئلا» است؛ اما در عمق ماجرا، بحث بر سر امنیت حقوق بین‌الملل و مشروعیت مفهوم «حاکمیت ملی» است. ایالات متحده در زمان ریاست جمهوری ترامپ، در اقدامی پیش‌دستانه، خوان گوایدو را به عنوان رئیس‌جمهوری موقت ونزوئلا به رسمیت شناخت و با استفاده از ابزارهای فشار، از تحریم‌های اقتصادی تا تهدید نظامی، تلاش کرد دولت قانونی نیکلاس مادورو را سرنگون کند. این اقدام، بدون هیچ پشتوانه حقوقی، نقض آشکار اصل عدم مداخله در امور داخلی کشورها بود که در ماده ۲ منشور سازمان ملل بر آن تصریح شده است. از دیدگاه حقوق بین‌الملل، به رسمیت شناختن دولت خودخوانده بدون مشروعیت دموکراتیک و بدون فرآیندهای



طرح نو؛ سردبیر

دونالد ترامپ، رئیس‌جمهوری پیشین ایالات متحده، بیش از هر سیاستمدار دیگری در دوران معاصر نشان داد که مرز میان «قدرت» و «حق» در ذهن او از هم گسسته است. او با نادیده گرفتن موازین بنیادین حقوق بین‌الملل و اصل حاکمیت ملی کشورها، در ماجرای ونزوئلا، عملاً اعلام کرد که جهان پس از جنگ جهانی دوم و تأسیس سازمان ملل دیگر نمی‌تواند ضامن صلح و استقلال کشورها باشد.

ترامپ بهتر از هرکس می‌داند که مداخله مستقیم در امور داخلی یک کشور مستقل، حمایت از دولت خودخوانده، بلوکه‌کردن دارایی‌های بین‌المللی و تهدید به اقدام نظامی، نقض آشکار منشور سازمان ملل است. اما او با



بازخوانی بحران آپارتمان‌نشینی در شهرهای امروز  
در گروه گزارش طرح نو؛

## «فرهنگ» گمشده در

## برج‌های بلند

در صفحه ۸

## زبان و ادب پارسی در آسیای کوچک

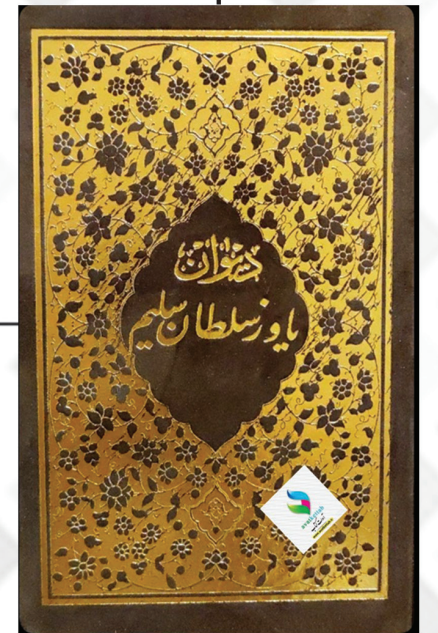


### تاملی بر کتاب؛ «دیوان سلیمان سلیم عثمانی»

کتاب «دیوان سلیمان سلیم عثمانی» مجموعه‌ای از اشعار یکی از سلاطین ترک عثمانی است. این پادشاه که فردی خشن و خونخوار بود به «یاووز سلطان» هم مشهور بود. اما چرا اشعار وی جملگی به زبان پارسی بود؟

ایرانیان بسیاری شد حدود یکصد و اندی سال پس از این رویداد با یورش ویرانگر مغولان سرزمین آسیای کوچک پناهگاه امنی برای خانواده‌های مهاجر ایرانی شد مهاجرانی که در میان آنان ستاره فروزانی چون جلال‌الدین محمد مولوی می‌درخشید و ده‌ها نمونه دیگر نیز دیده می‌شوند

در این ارتباط در مقدمه‌ی کتاب می‌خوانیم  
آغاز نفوذ فرهنگ ایرانی را در آسیای کوچک سال ۴۶۳ ق. در جنگ ملازگرد دانسته‌اند. در این جنگ، الب ارسلان قیصر روم شرقی را شکست داد. بیشتر سپاهیان الب ارسلان ایرانی بودند و بار زبان و فرهنگ ایرانی را بر دوش می‌کشیدند و اگر چنین نبود، زبان ادب و فرهنگ ایرانی بدان سرزمین نمی‌رسید، گسترش نمی‌یافت و زبان دولتی ادبی و علمی آن دیار نمی‌شد. پس از شکست رومیان آن سرزمین پذیرای



# جاه‌طلبی گازی ترکیه در سایه‌ی رؤیای «توران»

## بررسی رویکرد جدید آنکارا به منابع انرژی دریای خزر



استوار است.

طرح نو؛ سردبیر  
ترکیه امروز در نقطه‌ای ایستاده که می‌خواهد بیش از یک کشور منطقه‌ای باشد؛ جاه‌طلبی ژئوپولیتیکی آنکارا دیگر صرفاً به مرزهای خاورمیانه محدود نیست، بلکه تا اعماق قفقاز، آسیای مرکزی و سواحل دریای خزر گسترش یافته است. رؤیای دیرینه‌ای که در ادبیات سیاسی ترکیه از آن با عنوان «جهان ترک» یا پروژه‌ی «توران» یاد می‌شود، اکنون به واقعیتی در حال تکوین در سیاست انرژی، تجارت و حتی امنیت این کشور بدل شده است.

در همین چارچوب، منابع انرژی خزر و مسیرهای انتقال آن به اروپا، حلقه‌ی اصلی بلندپروازی‌های ژئواکونومیک ترکیه محسوب می‌شوند. آنکارا در تلاش است نه تنها نقش «مسیر عبور» انرژی، بلکه شان «هاب گاز منطقه‌ای» را از آن خود کند و جایگاهش را در نظم جدید چندقطبی جهان تثبیت نماید.

### توران؛ از رؤیا تا دستور کار سیاست خارجی

پس از فروپاشی شوروی، آسیای مرکزی و قفقاز جنوبی به صحنه رقابت ایدئولوژیک و اقتصادی قدرت‌ها بدل شد. ترکیه با تکیه بر اشتراکات زبانی و فرهنگی با جمهوری‌های ترک‌زبان، کوشید جای پای خود را در این منطقه محکم کند. دولت ترکیه طی سال‌های اخیر با در پیش گرفتن ابتکاراتی چون گسترش سازمان دولت‌های ترک و پشتیبانی از ایده‌ی «ارتش توران»، مسیر نزدیکی سیاسی و اقتصادی در میان کشورهای ترک‌زبان را هموار ساخته است.

درون این چارچوب، ترکیه عملاً می‌کوشد مجموعه‌ای از سازوکارهای نظامی، اقتصادی و انرژی‌محور را زیر چتر خود سامان دهد؛ از همکاری در طرح‌های حمل‌ونقل و ارتباطات گرفته تا بازار مشترک و پروژه‌های انرژی فراملی.

به بیان دیگر، پروژه توران بیش از آنکه صرفاً رؤیایی از اتحاد فرهنگی باشد، در حال تبدیل شدن به الگویی ژئواکونومیکی است که پایه‌اش بر انرژی و ترانزیت

شاهراه انرژی آینده‌ی اوراسیاست، به همین دلیل با ترکیبی از دیپلماسی انرژی و نفوذ فرهنگی، در پی تثبیت جای پای خود در شرق خزر است.

در سیاست خارجی نوین ترکیه، انرژی تنها ابزار اقتصادی نیست بلکه زبان دیپلماتیک قدرت نرم آنکارا است.

از افتتاح مدارس و نهادهای فرهنگی ترک در آسیای مرکزی گرفته تا امضای قراردادهای نفت و گاز، ترکیه در پی آن است که زنجیره‌ی انرژی را با هویت فرهنگی در هم بیامزد. و هدف آشکار است؛ تبدیل آنکارا به مرکز ثقل جهان ترک‌زبان و پلی میان شرق غنی از انرژی و غرب تشنه به انرژی.

در این میان، «سازمان دولت‌های ترک» نقش ساختار هماهنگی را ایفا می‌کند؛ نهادی که گرچه در ظاهر همکاری اقتصادی و فرهنگی را دنبال می‌کند، اما در عمل بستری برای همگرایی در حوزه انرژی و امنیت است.

### چالش‌ها و محدودیت‌ها

با وجود طراحی جاه‌طلبانه‌ی ترکیه، چند مانع کلیدی بر سر تحقق رؤیای توران انرژی وجود دارد. از جمله: تعارض منافع با روسیه در تعیین نقش هاب گاز؛ ملاحظات ایران که به‌عنوان یکی از قدرت‌های بزرگ انرژی در منطقه، از نفوذ بیش از حد ترکیه در حوزه خزر نگران است؛ پیچیدگی حقوقی دریای خزر و مخالفت احتمالی برخی کشورهای ساحلی با عبور خطوط لوله؛ و مسائل مالی و سرمایه‌گذاری که نیازمند حمایت غرب، به‌ویژه اتحادیه اروپا، است.

در واقع، موفقیت ترکیه در پروژه توران منوط به توانایی‌اش در برقراری تعادل میان شرق و غرب، و میان سیاست و اقتصاد خواهد بود.

در پایان باید گفت که ترکیه در دهه‌ی اخیر، به جای آنکه تنها مصرف‌کننده‌ی انرژی باشد، خود را به بازیگری ژئواکونومیک در مسیر انرژی اوراسیا تبدیل کرده است. اکنون آنکارا به‌دنبال آن است که ایده‌ی «جهان ترک» را با واقعیت اقتصادی و امنیتی پیوند دهد، جهانی که لوله‌های گازش از خزر آغاز و در بندر جبهان به پایان می‌رسد. هرچند راه رسیدن به این هدف پرچالش است، اما روندها نشان می‌دهد ترکیه در حال تثبیت جایگاهی تازه در نظم بین‌الملل است. کشوری که با تکیه بر ترانزیت انرژی، رؤیای توران را از شعار به راهبردی قابل لمس بدل می‌کند.

شده است؛ جایگاهی که پس از آغاز جنگ اوکراین و تحریم گسترده‌ی روسیه توسط غرب، بیش از پیش اهمیت پیدا کرد.

پاییز سال ۲۰۲۲، ولادیمیر پوتین پیشنهاد تبدیل ترکیه به «هاب گاز» روسیه را مطرح کرد؛ مرکزی برای توزیع و قیمت‌گذاری گاز صادراتی روسیه به اروپا.

آنکارا این فرصت را مغتنم شمرد تا جایگاه خود را ارتقا دهد، اما مذاکرات دو کشور تاکنون با کندی پیش رفته است. هنوز مسائل حقوقی، فنی و مالی بسیاری باقی مانده و ترکیه تلاش دارد شرایط مطلوب‌تری از مسکو بگیرد؛ از جمله سهم در فروش گاز، قیمت ترجیحی، و امکان مشارکت مستقیم صادرکنندگان ترک‌زبان نظیر آذربایجان، قزاقستان و ترکمنستان.

اگر این طرح به نتیجه برسد، ترکیه می‌تواند برای نخستین بار در تاریخ خود به پلنفرمی واقعی برای تجارت جهانی انرژی تبدیل شود؛ نقطه‌ای که شبکه‌های گازی شرق و غرب در آن تلاقی پیدا می‌کنند.

### از خزر تا آنکارا؛ زنجیره‌ای در حال تکمیل

آنکارا هم‌اکنون با اتکا به آذربایجان، زیرساخت کاملی از خطوط لوله در دست دارد؛ از باکو در سواحل غربی دریای خزر تا ادیرنه در مرزهای اروپایی ترکیه. این مسیر بخشی از کریدور ترانزیتی جنوب قفقاز است که گاز حوزه خزر را مستقیماً به مصرف‌کنندگان اروپایی می‌رساند.

اما جاه‌طلبی ترکیه به همین‌جا محدود نیست. برای تحقق کامل رؤیای توران انرژی، باید به منابع شرقی خزر یعنی ترکمنستان، قزاقستان و در آینده ازبکستان نیز دست یابد. این بخش از طرح هنوز با چالش‌های ژئوپولیتیکی، زیست‌محیطی و حقوقی متعددی روبروست؛ از جمله مسأله عبور خطوط لوله از بستر دریای خزر که نیازمند توافق همه کشورهای ساحلی است.

آنکارا می‌داند که کنترل این مسیر به معنای تسلط بر

ضدروسی را دور می‌زند و هم به اروپا امکان می‌دهد وابستگی خود را به گاز روسیه کاهش دهد. و نتیجه این که آنکارا از نیمه دوم دهه ۲۰۰۰ میلادی به یکی از بازیگران تعیین‌کننده در نقشه انرژی جهان بدل شده است.

ترکیه فاقد ذخایر غنی نفت و گاز است، اما همین کمبود، انگیزه‌ای مضاعف برای تبدیل شدن به مسیر عبور انرژی ایجاد کرده است. موقعیت جغرافیایی منحصربه‌فرد این کشور در اتصال سه قاره - آسیا، اروپا و آفریقا - سبب شده تا از ضعف در منابع طبیعی، فرصتی استراتژیک بسازد. ساخت و بهره‌برداری از خطوط لوله‌ی ترانزیتی همچون «باکو - تفلیس - جبهان» برای نفت و «ترانس آناتولی» برای گاز، از جمله پروژه‌هایی است که ترکیه را در مرکز کریدور قفقاز جنوبی قرار داده‌اند.

در نتیجه، آنکارا به مرور از کشور مصرف‌کننده به بازیگری کلیدی در زنجیره تأمین انرژی اروپا بدل

### یک ملت، دو دولت؛ پیوند ترکیه و جمهوری آذربایجان

شعار معروف «یک ملت - دو دولت» که حیدر علی‌اف، رئیس‌جمهور پیشین جمهوری آذربایجان بر زبان آورد، امروز بیش از هر زمانی مصداق یافته است. همکاری نظامی و انرژی‌محور آنکارا و باکو، پس از جنگ دوم قره‌باغ (۲۰۲۰ تا ۲۰۲۳)، به سطحی بی‌سابقه رسیده و ترکیه را در جایگاه حامی اصلی آذربایجان قرار داده است. پیروزی در این جنگ نه تنها نفوذ ترکیه در قفقاز جنوبی را تعمیق کرد، بلکه زمینه‌ساز تقویت سازمان دولت‌های ترک شد. نهادی که در واقع بازوی دیپلماتیک «توران انرژی‌محور» محسوب می‌شود.

با این پیوند، ترکیه همان مسیر صدور انرژی آذربایجان را به اروپا مدیریت می‌کند؛ مسیری که هم تحریم‌های

## گزارش

### اشتباه راهبردی آمریکا در ونزوئلا؛

# قانون جنگل در لباس دموکراسی



نولیبرالیسم و یک‌جانبه‌گرایی تبدیل کرده است.

### از بغداد تا کاراکاس؛ تکرار یک الگو

رفتار واشنگتن در قبال ونزوئلا نه بی‌سابقه است و نه غیرمنتظره. پیش از این نیز ایالات متحده در پرونده‌های متعدد از عراق تا لیبی و افغانستان، مفهوم «دفاع از دموکراسی» را به ابزاری برای مداخله در کشورهای مستقل بدل کرده بود. تفاوت ماجرای ونزوئلا اما در آن است که این بار آمریکا بدون توسل به جنگ مستقیم، عملاً مدل جدیدی از سرنگونی نرم دولت‌ها را به نمایش گذاشت. و آن چیزی نبود جز به رسمیت شناختن رهبر مخالف، اعمال فشار مالی و رسانه‌ای، تحریک ارتش و ایجاد فضای روانی برای تجزیه در بدنه حکومت.

با این حال، برخلاف محاسبات کاخ سفید، این پروژه با شکست روبه‌رو شد. دولت و ارتش ونزوئلا نه تنها از هم نپاشیدند بلکه در کنار مردم ایستادند و توانستند ساختار سیاسی کشور را حفظ کنند. این نکته‌ای است که ترامپ احتمالاً هیچ‌گاه به آن اعتراف نخواهد کرد؛ اشتباه راهبردی او در ارزیابی از استقلال سیاسی ملت‌ها.

می‌کرد. برای او، روابط بین‌الملل مفهومی مشابه بازار آزاد داشت؛ هر کس زور و سرمایه بیشتری داشته باشد، قانون را به نفع خود تفسیر می‌کند.

با همین منطق، او در ماجرای ونزوئلا از نفت به عنوان «دارایی مصادره‌شده» سخن گفت در حالی که هیچ حق قانونی یا عملی برای تصرف یا مدیریت منابع آن کشور نداشت. برخلاف تصور، شرکت‌های آمریکایی نه دسترسی مستقیم به منابع نفتی ونزوئلا یافتند و نه توانستند دولت مادورو را از پای درآورند. در واقع، واشنگتن حتی در سطح اقتصادی نیز از تأثیرگذاری مؤثر بر بازار انرژی ونزوئلا عاجز ماند.

این شکست خاموش، پیامی روشن داشت و آن این که سیاست مبتنی بر فشار، بدون مشروعیت و همراهی جامعه جهانی، دوام نمی‌آورد.

### مشروعیت از دست‌رفته نظم آمریکایی

اشتباه ترامپ در ونزوئلا تنها یک تصمیم نادرست سیاسی نبود، بلکه نشانه‌ای از سقوط اخلاقی و حقوقی نظم لیبرال بین‌المللی است که آمریکا پس از جنگ جهانی دوم بی‌ریزی کرده بود.

نظم جهانی مبتنی بر قواعد وقتی از درون توسط مبتکر خود نقض شود، دیگر مرجعیتی برای جهان باقی نمی‌ماند. در نتیجه، کشورها برای تأمین منافع خود به سمت اتحادهای منطقه‌ای و پیمان‌های جدیدی سوق پیدا می‌کنند که نقش سنتی ایالات متحده را تضعیف می‌سازد.

نهادهایی مانند شورای امنیت، صندوق بین‌المللی پول یا بانک جهانی نیز در چنین شرایطی اعتبارشان را از دست می‌دهند؛ چرا که نمی‌توانند در برابر رفتار یک‌جانبه‌گرانه آمریکا واکنشی مستقل نشان دهند.

این فرایند، در عمل، پایه‌های چندجانبه‌گرایی بین‌المللی را می‌لرزاند و راه را برای ظهور بلوک‌های قدرت مستقل از غرب هموار می‌کند.

### نقش مردم و ارتش ونزوئلا در خشتی‌گردن توطئه

با وجود فشارهای اقتصادی و تهدیدات سیاسی، جامعه ونزوئلا از درون فرو نپاشید. ارتش این کشور با تأکید بر حفظ قانون اساسی و وفاداری به دولت منتخب مردم، مانع اصلی در مسیر طرح کودتای آمریکایی شد.

این موضوع از نگاه تحلیل‌گران حقوقی اهمیت مضاعف دارد؛ زیرا نشان می‌دهد که قدرت ملی و وحدت داخلی مهم‌ترین عامل در دفاع از حاکمیت حقوقی کشورهاست. در واقع، ونزوئلا موفق شد الگویی از مقاومت قانونی و مشروع ارائه دهد؛ ایستادگی در برابر فشار خارجی بدون عبور از چارچوب حقوقی خود. چنین تجربه‌ای برای کشورهای مستقل، پیامی روشن دارد؛ که حفظ استقلال و حاکمیت ممکن است، اگر وحدت ملی و آگاهی اجتماعی وجود داشته باشد.

### خروج آمریکا از مدار مشروعیت جهانی

در پایان باید گفت که؛ ماجرای ونزوئلا آزمونی تاریخی برای سنجش اعتبار نظام حقوق بین‌الملل بود؛ آزمونی که ایالات متحده، به‌ویژه در دوران ترامپ، در آن مردود شد. ترامپ نه تنها قواعد بازی جهانی را شکست بلکه به دیگر قدرت‌ها آموخت که می‌توانند همان مسیر را بیمایند. او به‌گونه‌ای عمل کرد که امروز جهان در مرز خطرناک بازگشت به دوران پیش از منشور ملل متحد قرار گرفته است؛ جایی که قدرت، قانون را تعیین می‌کرد، نه برعکس.

با این حال، این تحول یک پیام روشن نیز برای جامعه جهانی دارد: زمان بازنگری در ساختار نظام بین‌الملل فرا رسیده است. اگر جامعه جهانی نتواند قدرت‌های متخلف را به پاسخگویی وادارد، هیچ تضمینی برای بقای عدالت، حاکمیت ملی و امنیت جمعی وجود نخواهد داشت.

ترامپ شاید وانمود کند که پیروز میدان سیاست‌های سختگیرانه است، اما او بهتر از هر کس دیگری می‌داند که از دید حقوق بین‌الملل، شکست‌خورده‌ای بی‌اعتبار است؛ کسی که با نقض آشکار اصول بنیادین قانون جهانی، نه تنها ونزوئلا بلکه مشروعیت خود آمریکا را نیز در سطح بین‌المللی خدشه‌دار کرد.

او در تاریخ سیاست خارجی آمریکا به عنوان رئیس‌جمهوری ثبت خواهد شد که دستورالعملی خطرناک برای یک جهان بی‌قانون نوشت، جهانی که در آن، نفت جای عدالت را می‌گیرد و قدرت بر حق تقدم می‌یابد. اما واقعیت ونزوئلا نشان داد که هنوز ملت‌هایی هستند که می‌توانند در برابر قانون جنگل بایستند و استقلال خود را از چنگ استعمار نوین بیرون بکشند.

دو رکورد پسر تراکتور؛

## حسین‌زاده، آقای گل همیشه حاضر



طرح‌نو؛ گروه ورزش مهاجم گلزن و ملی‌پوش تراکتور با ثبت عملکرد تأثیرگذار در رقابت‌های مختلف و حضور بی‌وقفه از چهره‌های شاخص این تیم در نیم‌فصل اول بود. به گزارش خبرنگار گروه ورزشی پایگاه خبری تحلیلی «آن‌اج»، امیرحسین حسین‌زاده، ستاره جوان و ملی‌پوش تراکتور که سومین فصل حضورش در این تیم را سپری می‌کند، پس از حضور دراگان اسکوچیچ در تبریز، زیر نظر سرمربی کروات روند فوق‌العاده‌ای داشته و به یکی از مهره‌های تأثیرگذار و بی‌جانشین تی‌تی‌ها تبدیل شده است. حسین‌زاده در فصل جاری طی ۲۳ مسابقه رسمی در رقابت‌های مختلف موفق شده آمار ۱۰ گل و ۵ پاس گل را برای تراکتور ثبت کند. این آمار به تفکیک مسابقات، ۸ گل و ۳ پاس گل در لیگ برتر، یک گل و ۲ پاس گل در لیگ نخیکنگ (الیت) آسیا و یک گل در سوپر جام بوده است. آقای گل فصل گذشته لیگ برتر فوتبال، در پایان دور رفت فصل جاری با به ثمر رساندن ۸ گل توانست در صدر جدول بهترین گلزنان قرار بگیرد و مدعی اصلی کفش طلای این مسابقات است. او همچنین با تأثیر مستقیم روی ۱۱ گل تراکتور در نیم‌فصل اول موثرترین بازیکن لیگ هم به حساب می‌آید.

## از اسکوچیچ انکار و از تراکتور اصرار بر سر مهرداد محمدی!



طرح‌نو؛ گروه ورزش مهرداد محمدی شرایط عجیبی را در تبریز پشت سر می‌گذارد. مهرداد محمدی از جمله خریدهای ابتدای فصل تراکتور است که حتی یک دقیقه هم برای تیمش به میدان نرفته تا

جذب شود اما مدیران تراکتوری به دلیل درخواست بالای حبیبی‌نژاد راضی به این انتقال نشدند و محمدی را جذب کردند. اسکوچیچ اما نسبت به محمدی تا به الان سخت‌گیر بوده و در پاسخ به سوالی پیرامون وی، به نوعی آب پاکی را روی دست این بازیکن ریخت و عنوان داشت بازیکنان بهتری در اختیار دارد و شاید در آینده شانس بازی به مهرداد برسد. در همین راستا به نظر می‌رسد محمدی یکی از جداشده‌های تراکتور در پنجره زمستانی باشد و حتی خبر از پیشنهاد مس رفتنجان به این بازیکن هم شنیده می‌شد اما به نظر می‌رسد مهرداد راضی به حضور در این تیم پایین جدولی نشده چرا که شنیده می‌شود او اعتقاد دارد این انتقال می‌تواند در آینده فوتبالی وی تأثیر منفی داشته باشد. به جز مس رفتنجان هم گویا تیم دیگری خواهان محمدی در این مقطع نیست تا اخبار حاکی از احتمال ماندگاری مهرداد در تراکتور باشد مگر اینکه اتفاق خاصی در روزهای آتی رخ دهد. چیزی که مشخص است اینکه اسکوچیچ صراحتاً نشان داده اعتقادی به مهرداری محمدی ندارد و باید دید این بازیکن ریسک نیمکت‌نشینی در ادامه فصل را هم می‌پذیرد یا نه.

تحلیلی بر نظریه‌های جامعه‌شناسی؛

# سقوط آزاد «سرمایه اجتماعی» در فوتبال



طریق عملکردشان، هویت جنسیتی، نژادی یا فرهنگی خود را می‌سازند. مثلاً نحوه پوشش رسانه‌ای ورزشکاران زن یا اقلیت‌ها نشان‌دهنده تعاملات اجتماعی است.

### ۴ - نظریه فمینیستی و فرهنگی:

این رویکردها بر نابرابری جنسیتی تمرکز دارند و ورزش حرفه‌ای را به عنوان فضایی مردانه تحلیل می‌کنند که زنان را حاشیای می‌سازد. همچنین، مطالعات فرهنگی به بررسی چگونگی تأثیر ورزش بر هویت‌های نژادی و قومی می‌پردازند، مانند نقش ورزش در مبارزه با نژادپرستی یا تقویت کلیشه‌ها.

نظریه‌پردازانی مانند «بورديو» ورزش را بخشی از میدان اجتماعی می‌بینند که سرمایه فرهنگی و اجتماعی را توزیع می‌کند. در سال‌های اخیر، نظریه‌های پسااستعماری و جهانی‌سازی نیز برجسته شده‌اند، که به بررسی چگونگی گسترش ورزش حرفه‌ای از غرب به سایر نقاط جهان و تأثیر آن بر فرهنگ‌های محلی می‌پردازند.

### مسائل کلیدی در جامعه‌شناسی ورزش

ورزش حرفه‌ای با مسائل اجتماعی متعددی درگیر است که در سال ۲۰۲۵ همچنان مورد بحث هستند:

#### ۱- تجاری‌سازی و اقتصاد:

ورزش حرفه‌ای به یک صنعت جهانی تبدیل شده با گردش مالی تریلیون دلاری که با مسائلی مانند حقوق ورزشکاران، قراردادهای اسپانسر و تأثیر رسانه‌ها (مانند پخش زنده و شبکه‌های اجتماعی) بررسی می‌شوند. برای مثال، لیگ‌های حرفه‌ای مانند NBA یا EPL نشان‌دهنده جهانی‌سازی هستند، اما همزمان به نابرابری اقتصادی دامن می‌زنند.

#### ۲- نابرابری جنسیتی و نژادی:

زنان در ورزش حرفه‌ای اغلب با حقوق کمتر، پوشش رسانه‌ای ناکافی و تبعیض روبرو هستند. همچنین، نژادپرستی در ورزش، مانند حوادث نژادی در فوتبال اروپا، برجسته است. مطالعات نشان می‌دهند که ورزش حرفه‌ای می‌تواند ابزاری برای مقاومت باشد، مانند جنبش Black Lives Matter در ورزش.

طرح‌نو؛ گروه ورزش بی‌تفاوتی به صعود تیم ملی فوتبال ایران به جام جهانی ۲۰۲۲ و ۲۰۲۶، نشان‌دهنده کاهش سرمایه اجتماعی است که از عوامل سیاسی و اجتماعی ناشی می‌شود. جامعه‌شناسی ورزش حرفه‌ای شاخه‌ای از جامعه‌شناسی ورزش است که بر جنبه‌های اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی ورزش‌های حرفه‌ای تمرکز دارد. این حوزه بررسی می‌کند چگونه ورزش حرفه‌ای به عنوان یک نهاد اجتماعی عمل می‌کند، چگونه ساختارهای قدرت، نابرابری‌ها و تغییرات اجتماعی را بازتاب می‌دهد و تأثیر آن بر جامعه را تحلیل می‌نماید. ورزش حرفه‌ای نه تنها یک فعالیت رقابتی است، بلکه صنعتی بزرگ با گردش مالی عظیم، تأثیر رسانه‌ای و نقش در هویت‌سازی فرهنگی است.

در ایران، جامعه‌شناسی ورزش حرفه‌ای به بررسی مسائلی مانند سرمایه اجتماعی، نقش دولت در ورزش، تأثیر فرهنگی بر مشارکت زنان و تجاری‌سازی فوتبال می‌پردازد. مطالعاتی نشان می‌دهند که ورزش حرفه‌ای در ایران بخشی از هویت ملی است، اما با چالش‌هایی مانند فساد و نابرابری روبرو است.

دکتر سیدمقداد سادات در مطلبی که برای گروه ورزشی مهر نوشته است، به بررسی نظریه‌ها، مسائل کلیدی و چشم‌اندازهای آینده این حوزه پرداخت.

### نظریه‌های کلیدی در جامعه‌شناسی ورزش حرفه‌ای

جامعه‌شناسان ورزش از نظریه‌های مختلفی برای تحلیل ورزش حرفه‌ای استفاده می‌کنند. این نظریه‌ها کمک می‌کنند تا درک کنیم چگونه ورزش حرفه‌ای بخشی از ساختارهای اجتماعی بزرگ‌تر است.

#### ۱- نظریه کارکردگرای (Functionalist Theory):

این نظریه ورزش حرفه‌ای را به عنوان یک سیستم اجتماعی می‌بیند که به حفظ تعادل جامعه کمک می‌کند. ورزش حرفه‌ای از طریق ایجاد همبستگی اجتماعی، ترویج ارزش‌هایی مانند رقابت، انضباط و موفقیت و حتی سرگرمی عمومی، به جامعه خدمت می‌رساند. برای مثال، رویدادهایی مانند المپیک یا جام جهانی فوتبال، هویت ملی را تقویت می‌کنند و افراد را حول اهداف مشترک متحد می‌سازند.

#### ۲- نظریه تضاد (Conflict Theory):

بر اساس این نظریه، ورزش حرفه‌ای را ابزاری برای حفظ قدرت طبقات مسلط می‌بیند. در این رویکرد، ورزش حرفه‌ای تجاری‌سازی شده و به یک صنعت سودآور تبدیل شده که نابرابری‌های اقتصادی، نژادی و جنسیتی را بازتولید می‌کند. برای نمونه، مالکیت تیم‌های حرفه‌ای اغلب در دست سرمایه‌داران است و ورزشکاران (به ویژه از طبقات پایین) به عنوان نیروی کار بهره‌کشی می‌شوند. این نظریه به مسائلی مانند مهاجرت نیروی کار ورزشی (مانند بازیکنان آفریقایی در لیگ‌های اروپایی) و تأثیر سرمایه‌داری بر ورزش می‌پردازد.

#### ۳- نظریه تعاملی (Interactionist Theory):

رویکرد این نظریه تمرکز بر تعاملات روزمره و ساخت هویت فردی از طریق ورزش است. ورزش حرفه‌ای صحنه‌ای برای نمایش خود و هویت‌هاست؛ ورزشکاران از

اجتماعی از طریق رویدادها، سیاست‌های رسانه‌ای و آموزش‌های شهروندی نقش کلیدی در ارتقای سرمایه اجتماعی میان‌گروهی ایفا می‌کنند.

### نقش فوتبال در تقویت سرمایه اجتماعی

فوتبال در ایران نه تنها یک بازی، بلکه ابزاری برای ایجاد همبستگی ملی و محلی است. بر اساس تحقیقات، موفقیت‌های تیم ملی در رویدادهایی مانند جام جهانی ۲۰۱۸ و جام ملت‌های آسیا ۲۰۱۹، منجر به انفجار عاطفی و افزایش احساس غرور ملی شده است.

### تأثیر سرمایه اجتماعی بر فوتبال ایران

سرمایه اجتماعی قوی، مستقیماً بر اخلاق حرفه‌ای بازیکنان و مدیران تأثیر مثبت دارد و در نهایت به رشد و موفقیت فوتبال کشور منجر می‌شود. برای مثال، روابط اجتماعی محکم میان بازیکنان می‌تواند اخلاقیاتی مانند احترام به حریف، انضباط تیمی و مسئولیت‌پذیری را تقویت کند، که این امر به نوبه خود، عملکرد تیم‌های ملی و باشگاهی را بهبود می‌بخشد.

همچنین، در سطح هواداران، این سرمایه می‌تواند رفتارهای مثبت مانند حمایت جمعی و کاهش درگیری‌های استادیومی را ترویج دهد، که به عنوان عاملی برای توسعه پایدار فوتبال عمل می‌کند.

از سوی دیگر، ضعف در این سرمایه می‌تواند به چالش‌هایی مانند کاهش اعتماد عمومی به فدراسیون، افول اخلاقی در رسانه‌ها و نخبگان ورزشی و حتی بی‌تفاوتی اجتماعی نسبت به دستاوردهایی مانند صعود به جام جهانی منجر شود. پست‌های اخیر در شبکه‌های اجتماعی نشان‌دهنده نگرانی عمومی از «سقوط آزاد سرمایه اجتماعی» در فوتبال است، جایی که مدیران و رسانه‌ها به جای تقویت روابط، به انتقادهای مخرب از چهره‌های اخلاق‌مدار مانند وحید هاشمیان می‌پردازند.

این روند، نه تنها فوتبال را از پتانسیل اجتماعی‌اش دور می‌کند، بلکه به فراموشی سرمایه انسانی در استادیوم‌ها و عرصه‌های دیگر جامعه دامن می‌زند. مثلاً، بی‌تفاوتی مردم به صعود تیم ملی به جام جهانی ۲۰۲۶، هشدار برای افول سرمایه اجتماعی است.

همچنین، فساد در فوتبال مانند پولشویی در باشگاه‌ها اعتماد عمومی را نابود کرده و فوتبال را به بنگاه غارت اموال عمومی تبدیل کرده است.

برای درک بهتر به چند مثال از سرمایه اجتماعی در فوتبال ایران اشاره می‌شود:

تیم تراکتور و وحدت قومی: برای نمونه، تیم تراکتور تبریز به نمادی از وحدت مردم ترک‌زبان ایران تبدیل شده و فراتر از ورزش، پیوند اجتماعی میان نسل‌ها و مناطق مختلف را تقویت کرده است.

مدرسه فوتبال شهید ابراهیم هادی: تحت مدیریت محمد انصاری، این مدرسه در جنوب تهران علاوه بر آموزش فوتبال، بر رشد اخلاقی و تربیتی تمرکز دارد و با کمک‌های مردمی، سرمایه اجتماعی محلی را ارتقا می‌دهد.

افول سرمایه در تیم ملی: بی‌تفاوتی به صعود به جام جهانی ۲۰۲۲ و ۲۰۲۶، نشان‌دهنده کاهش سرمایه اجتماعی است که از عوامل سیاسی و اجتماعی ناشی می‌شود.

فساد و پولشویی: مواردی مانند سرمایه‌گذاران رانتی که باشگاه‌ها را به ابزار غارت تبدیل کرده‌اند، سرمایه اجتماعی را نابود می‌کنند.

فوتبال ایران می‌تواند با مدیریت صحیح این سرمایه، از یک ورزش ملی به ابزاری برای انسجام اجتماعی تبدیل شود، اما چالش‌هایی مانند مشکلات اقتصادی و مدیریتی همچنان نیازمند توجه فوری هستند. / مهر

اجتماعی عظیمی را در خود جای داده است؛ از شور استادیوم‌ها تا موج هواداری که مرزهای قومی و جغرافیایی را درنور دیده‌اند. اما این سرمایه، همزمان با چالش‌هایی مانند سیاست‌زدگی، فساد مدیریتی و محدودیت‌های اجتماعی روبرو است.

سرمایه اجتماعی در فوتبال ایران، به عنوان یکی از مفاهیم کلیدی جامعه‌شناسی ورزشی، به شبکه‌های روابط اجتماعی، اعتماد متقابل و همکاری میان بازیکنان، هواداران، مدیران و نهادهای مرتبط اشاره دارد که می‌تواند بر عملکرد حرفه‌ای، اخلاقی و موفقیت کلی این ورزش تأثیرگذار باشد.

در واقع، فوتبال نه تنها یک پدیده ورزشی، بلکه یک سرمایه بزرگ اجتماعی است که ملت ایران صاحب اصلی آن محسوب می‌شود و فدراسیون فوتبال به عنوان امانت‌دار، موظف به حفظ و ارتقای ارزش آن است.

این مفهوم، ریشه در نظریه‌های جامعه‌شناختی که به آنها اشاره شد دارد، اما در بستر ایران، بر جنبه‌های فرهنگی، اقتصادی و مدیریتی تأکید بیشتری می‌شود.

### عوامل مؤثر بر سرمایه اجتماعی در فوتبال ایران

بر اساس تحقیقات جامعه‌شناختی، عوامل متعددی بر سرمایه اجتماعی بازیکنان و هواداران فوتبال ایران تأثیر می‌گذارد. پژوهش‌های اخیر نشان می‌دهد که عوامل اصلی عبارتند از:

### ۳- دوپینگ و اخلاق:

استفاده از مواد نیروزا یک مسئله اخلاقی و اجتماعی است که مرزهای عملکرد انسانی را زیر سؤال می‌برد. جامعه‌شناسان به بررسی فشارهای حرفه‌ای و فرهنگی که ورزشکاران را به سمت دوپینگ سوق می‌دهد، می‌پردازند.

### ۴- رسانه و هویت ملی:

رسانه‌ها ورزش حرفه‌ای را به یک نمایش جهانی تبدیل کرده‌اند، اما همزمان ایدئولوژی‌های جنسیتی یا نژادی را تقویت می‌کنند. در سال ۲۰۲۵، با پیشرفت هوش مصنوعی و بخش دیجیتال، مسائل جدیدی مانند حریم خصوصی ورزشکاران مطرح شده است.

### ۵- سلامت و بهره‌کشی:

آسیب‌های جسمانی، فشار روانی و بهره‌کشی از ورزشکاران از مسائل کلیدی هستند. همه‌گیری کووید-۱۹ تأثیرات بلندمدتی بر ساختار ورزش حرفه‌ای گذاشته و نابرابری‌ها را تشدید کرده است

### چشم‌انداز آینده

با پیشرفت فناوری و تغییرات جهانی، جامعه‌شناسی ورزش حرفه‌ای به سمت بررسی مسائل نوظهوری مانند ورزش الکترونیکی (e-sports)، پایداری محیطی و تأثیر هوش مصنوعی بر عملکرد ورزشی حرکت می‌کند. هدف این حوزه نه تنها تحلیل، بلکه پیشنهاد راهکارهایی برای ایجاد ورزش عادلانه‌تر است. در نهایت، ورزش حرفه‌ای آینده‌ای از جامعه است که می‌تواند تغییرات مثبت را ترویج دهد اما نیازمند نقد مداوم برای مقابله با نابرابری‌هاست.

### سرمایه اجتماعی در فوتبال ایران

سرمایه اجتماعی به معنای شبکه‌های روابط، اعتماد متقابل و هنجارهای همکاری است که افراد و گروه‌ها را برای دستیابی به اهداف مشترک به هم متصل می‌کند. در فوتبال، این مفهوم فراتر از نتایج ورزشی می‌رود و به نقش تیم‌ها و هواداران در تقویت هویت جمعی، انسجام اجتماعی و حتی بیان مطالبات سیاسی-فرهنگی اشاره دارد. فوتبال ایران، به عنوان محبوب‌ترین ورزش کشور، سرمایه

شعر

جمعه‌ها طبع من احساس تغزل دارد



**جمعه‌ها طبع من احساس تغزل دارد ناخودآگاه به سمت تو تمایل دارد بی تو چندیست که در کار زمین حیرانم مانده ام بی تو چرا باغچه ام گل دارد شاید این باغچه ده قرن به استقبالت فرش گسترده و در دست گلابل دارد تا به کی یکسره یکریز نباشی شب و روز ماه مخفی شدنش نیز تعادل دارد کودکی فال فروش است و به عشقت هر روز می خرم از پسرک هر چه تفال دارد یازده پله زمین رفت به سمت ملکوت یک قدم مانده زمین شوق تکامل دارد هیچ سنگی نشود سنگ صورت، تنها تکیه بر کعبه بز، کعبه تحمل دارد سید حمیدرضا برقی**

توان ملی؛ رمز اقتدار



طرح نو؛ معصومه درخشان تجربه‌های موفق ایران در فناوری هسته‌ای، فضایی، نانو تکنولوژی و صنایع دفاعی گواهی روشن بر این حقیقت است که خودباوری ملی، مهم‌ترین سلاح یک ملت در برابر دشمنان است. غفلت از توانایی‌های ملی، زمینه‌ساز تحقیر و تسلیم در برابر دشمن است. تجربه تاریخی ملت‌ها نشان می‌دهد که عزت، استقلال و پیشرفت پایدار تنها در سایه اتکا به توانایی‌های درونی و سرمایه‌های ملی تحقق می‌یابد. توانایی‌های ملی هر کشور، شامل نیروی انسانی متخصص، دانش بومی، منابع طبیعی و ظرفیت‌های فناورانه، بنیان قدرت واقعی آن را شکل می‌دهند. غفلت از این توانمندی‌ها نه تنها مسیر پیشرفت را متوقف می‌کند، بلکه جامعه را به سمت وابستگی، تحقیر و در نهایت تسلیم در برابر فشارهای دشمن سوق می‌دهد. جمهوری اسلامی ایران نمونه‌ای روشن از کشوری است که علی‌رغم فشارهای گسترده، تحریم‌های بی‌سابقه و دشمنی آشکار قدرت‌های بزرگ، با تکیه بر توان داخلی توانسته است به دستاوردهای چشم‌گیری در عرصه‌های بین‌المللی دست یابد. یکی از بارزترین این موفقیت‌ها، پیشرفت در فناوری هسته‌ای صلح‌آمیز است. ایران امروز جزو معدود کشورهای جهان است که به چرخه سوخت هسته‌ای دست یافته و توان غنی‌سازی اورانیوم،

نویسنده رمان «پیشانی‌های پینه بسته»:

زاویه دید اول شخص نباید درباره معصومین استفاده شود



دارد و هم دست نویسنده در تخیل کردن تا حدودی بازتر خواهد بود.

**انتخاب موضوع خوارج و تمرکز بر سه جنگ حساس (جمل، صفین، نهروان) به‌عنوان چارچوب رمان، انتخاب جسورانه‌ای بود. چرا این بخش از تاریخ زندگی امام علی (ع) را برای روایت برگزیدید؟**

توجه به نقش‌آفرینی خوارج و دوران زندگی امام علی (ع) انتخاب جسورانه‌ای بود. به قول یکی از دوستان نویسنده پرداختن به این برهه تاریخی و قلم زدن برای آن حکم عبور از میدان مین را داشت و به‌نوعی این انتخاب باعث شد تا من بتوانم سه جنگ اصلی امام علی (ع) را که از حساست بسیار بالایی برخوردار بود را به تصویر بکشم. امام علی (ع) در زمان حیات پیامبر در جنگ‌های بسیار زیادی شرکت کردند؛ هم جنگ‌هایی که هم پیامبر (ص) حضور داشتند و هم جنگ‌هایی که ایشان نبودند و حضرت مأموریت‌های زیادی را قبول کردند. اما این سه جنگ با جنگ‌های دیگر بسیار متفاوت بود. چراکه امام علی (ع) در این جنگ‌ها با مسلمانان جنگیدند. افرادی که گاه در کنار او بودند و در سمت و سوی او شمشیر می‌زدند. و این جنگ‌ها شرایط خاصی را برای حضرت ایجاد کرد. ایشان از جنبه‌های مختلف در شرایط سختی قرار گرفتند و تحت فشار بودند. در جنگ‌های دیگر شرایط فرق داشت. چراکه که اولاً آن جنگ‌ها، جنگ با کفار بود و پیامبر (ص) حضور داشتند و حمایت ایشان خیلی مهم بود و امام علی (ع) تحت فشار شخصیت‌ها و تفکرها نبودند. اما در این سه جنگ حضرت مستقیماً رهبری جنگ‌ها را برعهده داشتند و از همان ابتدا با مسلمان‌ها وارد جنگ شدند مخصوصاً در جنگ جمل وقتی طلحه و زبیر که جزو شخصیت‌های مطرح صدر اسلام بودند، جنگ با امام را شروع کردند و علاوه‌میلشان مجبور شدند که در این جنگ شرکت کنند. بالطبع شرایط بسیار پیچیده شد؛ اعتراض‌هایی شد و فتنه‌هایی شکل گرفت. و جنگ جمل جنگ مهمی بود چراکه خوارج در این جنگ ابراز وجود کردند و این جنگ عامل اصلی طغیان آنها در جنگ صفین بود. عامل دیگر اینکه در هیچ رمانی از این منظر به جنگ

رمان با دکتر سعید طاووسی مشورت داشتم به‌گونه‌ای که شب‌ها تا دیروقت با ایشان تماس داشتم چراکه باید یکسری ابهامات برای خودم رفع می‌شد. به‌طور مثال یکی از ابهامات در مورد حکمیت بود. اینکه وقتی خوارج پیشمان شدند و طالب جنگ با معاویه شدند این سوال برابم ایجاد شد که خوارج در ابتدا بر اثر ناآگاهی و منفعت‌طلبی جنگ را متوقف کردند و بعد وقتی دیدند که نتیجه حکمیت نادرست است و عمروعاص حمله‌گری کرده است، خواستار جنگ مجدد شدند و از حضرت علی (ع) خواستند که دوباره به میدان جنگ برود. و برای من سوال بود که چرا حضرت نپذیرفته می‌توانستند از گناه آنها صرف‌نظر کنند و دوباره به جنگ ادامه می‌دادند. و من با وجود تحقیقات فراوان، مدت‌ها با دکتر طاووسی درباره این مسئله صحبت می‌کردم. در آن زمان در شکل‌گیری حوادث قبایل نقش محوری داشتند و نقش امام هم بسیار خاص بود به‌طوری که در حین حال که دشمن در کنار ایشان بودند و توطئه‌چینی می‌کردند و علنی اعتراض می‌کردند و به حضرت توهین می‌کردند اما حضرت با سعه‌صدر تحمل می‌کردند در صورتی که حضرت می‌توانستند قبل از شکل‌گیری جنگ نهروان همه آنها را از بین ببرند اما چنین نکردند. حتی در میدان سه جنگ حضرت بارها سفیر فرستادند و خواستند که جنگی صورت نگیرد اما در نهایت امام را مجبور کردند که در هر سه جنگ شرکت کند.

حدود ۴ سال برای خلق این اثر زمان صرف شد و چراکه سعی داشتم به‌نوعی روایتگر مظلومیت حضرت علی (ع) در این مقطع زمانی باشم. و به حضرت توهین می‌کردند اما حضرت با سعه‌صدر تحمل می‌کردند در صورتی که حضرت می‌توانستند قبل از شکل‌گیری جنگ نهروان همه آنها را از بین ببرند اما چنین نکردند. حتی در میدان سه جنگ حضرت بارها سفیر فرستادند و خواستند که جنگی صورت نگیرد اما در نهایت امام را مجبور کردند که در هر سه جنگ شرکت کند.

**در فرایند تصمیم‌گیری برای روایت، از زاویه دید سوم‌شخص محدود استفاده کرده‌اید چرا از بین روای اول‌شخص یا دانای کل، این زاویه دید را ترجیح دادید؟**

رسم بر این است که داستان‌هایی که در مورد معصومین (ع) است، به هیچ‌عنوان زاویه اول شخص نباشد. انتشارات به‌نشر هم این امر را جزو مصوبات خودش در نظر گرفت و عملاً از ۱۰ نویسنده خواست که به هیچ‌عنوان از این زاویه دید استفاده نکنند. چون زاویه دید اول شخص به‌نوعی برداشت شخصی است. حتی اگر شخصیت اصلی یعنی معصومین در داستان دیالوگی ندارند، بازهم راوی یا فرد خاصی که قرار است با زاویه دید اول شخص در مورد معصومین صحبت کند مجبور است برداشت فردی خودش را منتقل کند. و مخاطب هم همین حس را باور دارد یعنی با زاویه دید اول شخص، مخاطب احساس می‌کند یک فرد در مورد معصوم حرف می‌زند، قضاوت می‌کند و یا رویدادی را به معصومین نسبت می‌دهد. و بدتر از آن حتی یک کار بسیار اشتباه هست که ما بخواهیم با زاویه دید اول شخص از زبان امام صحبت کنیم. که این کار به‌نوعی گناه محسوب می‌شود. که متأسفانه در برخی از آثار این اتفاق رخ داده است. به هر صورت در ارتباط با زندگی معصومین نباید زاویه دید اول شخص انتخاب بشود. بلکه باید از زاویه دید سوم شخص یعنی دانای کل محدود یا دانای کل نامحدود استفاده کرد. یعنی راوی لقب خداوندی در بستر داستان دارد و یک تصویر کلی و جامع از رویدادهایی که به وقوع پیوستند می‌دهد.

دفاعی و تولید موشک نقش تعیین‌کننده‌ای در حفظ امنیت و بازدارندگی کشور داشته است. دستیابی به فناوری طراحی و ساخت موشک‌های پیشرفته با برد و دقت بالا، بدون وابستگی به قدرت‌های خارجی، ایران را به کشوری تبدیل کرده است که دشمنانش ناچار به محاسبه دقیق هزینه هرگونه تهدید یا تجاوز هستند. این توان دفاعی، حاصل سال‌ها اتکا به توان داخلی و بی‌اعتمادی به وعده‌های فریبنده دشمنان است. تجربه موفق ایران در فناوری هسته‌ای، فضایی، نانو تکنولوژی و صنایع دفاعی گواهی روشن بر این حقیقت است که خودباوری ملی، مهم‌ترین سلاح یک ملت در برابر دشمنان است.

مجموع این دستاوردها به‌روشنی نشان می‌دهد که هر جا به توانایی‌های ملی اعتماد شده، نتیجه آن عزت، پیشرفت و اقتدار بوده است. در مقابل، هرگونه غفلت از این ظرفیت‌ها یا امید بستن به دشمن، تنها به افزایش فشارها و زیاده‌خواهی‌ها انجامیده است. دشمنان ایران اسلامی همواره تلاش کرده‌اند با القای ناآرامی و بزرگ‌نمایی مشکلات، روحیه خودباوری را تضعیف کنند. زیرا به‌خوبی می‌دانند ملتی که به توان خود ایمان داشته باشد، هرگز تسلیم نخواهد شد. در نهایت، راه حفظ عزت ملی و مقابله با تحقیر و تسلیم، چیزی جزه بازشناسی، تقویت و بهره‌گیری از توانایی‌های عظیم داخلی نیست.

در حقیقت نویسنده انگاری دوربینی در دست گرفته و دارد از حوادث تصویربرداری می‌کند. در حقیقت راوی به‌نوعی تصویرگر حوادث است.

من به همین دلایلی که عرض کردم زاویه دید سوم شخص محدود را انتخاب کردم. و سعی کردم در هر فصل شخصیت اصلی و محوری داستان را یک فرد خاص در نظر بگیرم. رمان هفت فصل داشت و هر فصل به نام یکی از شخصیت‌های حقیقی است که در این مقطع زمانی تأثیرگذار بودند و در شکل‌گیری حوادث نقش داشتند و محوریت اصلی داستان را بر دوش داشتند. من به‌نوعی سعی کردم هم خود فرد را در نظر بگیرم و درشت‌نمایی کنم و به گذشته آن فرد بپردازم و اندیشه و باورهایش را مطرح کنم و هم به همان نقشی را که فرد در مقطع زمانی خاصی که در داستان مدنظر بوده اشاره داشتم.

**در این اثر، هر فصل بر یک شخصیت تاریخی تمرکز دارد. این انتخاب ساختاری چه مزایایی برای شما به‌عنوان نویسنده داشت؟**

همان‌طور که عرض کردم هر فصل اختصاص به هر یک از شخصیت‌های حقیقی دارد و انتخاب این شخصیت‌ها بی‌دلیل نبوده است. هفت نفر انتخاب شد که نمادی از عدد هفت هستند که هم در اساطیر ایران و هم در اساطیر مذهبی ما این عدد مقدس است. اما انتخاب افراد به این دلیل است که قصد من به تصویر کشیدن رویارویی خوارج با امام علی (ع) بود. بازتاب و عملکرد آنها را در مقابل حضرت، نوع تفکر و بینش آنها و تأثیری که این افراد روی جامعه آن دوران گذاشتند را بیان کنم. داستان به صورت خطی است و این خوارج از یک جایی جایی ظهور کردند که من ابتدای کار را جنگ جمل در نظر گرفتم و در جنگ صفین این افراد به‌طور علنی طغیان می‌کنند و در نهایت در جنگ نهروان با امام علی (ع) به نبرد پرداخته و اکثریتشان کشته می‌شوند. من قصد داشتم که این روال خطی داستان حفظ بشود. بالطبع وقتی قرار است این حرکت از ابتدای داستان شروع و به انتها که جنگ جمل است ختم شود، شخصیت‌هایی در مقاطع مختلف تاریخی نقش محوری خواهند داشت. به‌عنوان مثال در جنگ جمل، عایشه و ام‌سلمه نقش مهمی در منطقه داشتند به همین خاطر انتخاب اولیه من این هفت نفر بودند که در فصل اول این دو فرد را شخصیت اصلی داستان قرار دادم. در فصل دوم برادر عایشه یعنی محمدبن‌ابوبکر نقش مهم و کلیدی‌ای در شروع جنگ صفین داشت. حتی لقب «عابد قریش» را گرفت و حضورش در جنگ صفین تأثیر مثبتی در روحیه پاران امام علی (ع) گذاشت. در فصل سوم، اشعث را انتخاب کردم که نقش خیلی مهم و محوری در جنگ صفین داشت؛ عامل طغیان خوارج بود. عامل به وجود آمدن ماجرای حکمیت بود و بعد از حکمیت علیه امام علی (ع) توطئه می‌کند. بنابراین حضور این فرد باید در رمان درشت‌نمایی می‌شد. چراکه آرزوی او رسیدن مجددش به جایگاه پادشاهی بود. به این دلیل که او پیش از اسلام پادشاه حبشه بود. تمام این مسائل در این مقطع زمانی حساس باید عنوان می‌شد. بعد از جنگ صفین هنگامی که امام قصد دارند به کوفه برگردند ما نقش مهم مالک اشتر مطرح می‌شود. ادامه دارد...

طرح نو؛ الهام قاسمی بخش اول:

«پیشانی‌های پینه‌بسته» رمانی است از کامران پارسی‌نژاد که سه جنگ جمل، صفین و نهروان را با تمرکز بر شخصیت‌ها و نقش خوارج بازآفرینی می‌کند و تاریخ صدر اسلام را زنده می‌کند. ادبیات دینی و تاریخی، همیشه مجالی برای تأملی عمیق‌تر بر سرگذشت انسان‌هایی بوده که در گرامر تاریخ، انتخاب‌های سرنوشت‌ساز کرده‌اند. اما روایت‌گری این تاریخ، اگرچه مملو از نام‌ها و نبردهاست.

کامران پارسی‌نژاد، نویسنده و پژوهشگر تاریخی، در رمان تازه‌اش «پیشانی‌های پینه‌بسته»، با جسارت و دغدغه‌های مثال‌زدنی، روایتی داستانی از سه بزنگاه تاریخی صدر اسلام جمل، صفین، نهروان ارائه می‌دهد. او کوشیده تا با نگاهی چندصدایی و مبتنی بر شخصیت‌محوری، چهره‌های واقعی‌تری از یاران و مخالفان امام علی (ع) ترسیم کند و فاصله‌ای هوشمندانه میان روایت ادبی و تاریخ‌نگاری مستند حفظ نماید. با کامران پارسی‌نژاد گفتگویی ترتیب داده‌ایم که در ادامه می‌آید:

**در جایی گفتید که نمی‌خواستید «زندگی‌نامه داستانی» بنویسید؛ چرا این مرزبندی برایتان مهم بود؟**

انتشارات به‌نشر حدود ۴ سال پیش طرحی را مطرح کرد که بتواند ۱۰ رمان در ارتباط با معصومین خلق کند. این طرح نیازمند آن بود که کارشناسی در حوزه ادبیات داستانی داشته باشد. کارشناسی که علاوه بر مدیریت اجرایی کار باید ۱۰ اثر را مورد ارزیابی و نقد قرار می‌داد تا به‌واسطه تأیید این کارشناس آثار منتشر شود. همچنین قرار بود که آثار توسط یک کارشناس علوم دینی هم بررسی شود که در آن مقطع زمانی با من درباره کارشناسی داستانی آثار صحبت کردند و همچنین با دکتر سعید طاووسی‌مسرور که دکتری‌اش تشیع دارند صحبت شد تا از جنبه محتوایی و مضمونی آثار را ارزیابی و تأیید کنند. چرا که اصل بر این بود که آثاری در ارتباط با معصومین خلق شود و این طرح از حساسیت خاصی برخوردار بود. من وقتی کارشناسی ادبی این طرح را قبول کردم در بدو کار این صحبت شد که خودم هم می‌توانم یکی از آثار را انتخاب کرده و قلم بزنم. من با توجه به علاقه و ارادتی که به حضرت علی (ع) داشتم ایشان را به‌عنوان محوریت اصلی رمان انتخاب کردم. و با توجه به نوع قرارداد، قرار بود که رمان خلق شود نه زندگی‌نامه داستانی. در زندگی‌نامه داستانی معمولاً نویسنده قصد دارد که مراحل اصلی یا کل زندگی یک فرد را در قالب داستانی به تصویر بکشد. یعنی هدایت کار کاملاً ارتباط مستقیم با زندگی، اندیشه و باورهای شخصیت اصلی زندگی‌نامه دارد. اما در رمان ما بیشتر به عنصر تخیلی میدان می‌دهیم. گاه ممکن است شخصیت‌های کتاب تخیلی باشند و این شخصیت‌های تخیلی روایتگر بخشی از زندگی معصومین باشند. یعنی رمان به‌نوعی تلفیقی از تخیل و واقعیت است. من با توجه به نوع قراردادی که مدنظر بود باید اثر را در قالب رمان خلق می‌کردم و خود من هم شخصاً به نگارش رمان علاقه بیشتری داشتم تا نوشتن زندگی‌نامه داستانی چراکه هم تأثیرگذارتر است و هم جذب مخاطب زیادی



# قهوه‌خانه‌های امروزی در زندگی شهری؛ سنتی که پوست انداخت



دخترانه یا کافه دیگری با مترآز وسیع و به صورت روف

گازدن. شاید اگر چند سال پیش از مردم نظر می‌پرسیدیم، بی شک می‌گفتند که کافه فقط برای پولدارها و لاکچری بازاها است، اما امروز لزوماً اینگونه نیست. جوانان در طبقات مختلف اجتماعی، حتی گاه بدون توجه به فرهنگ منطقه خود به کافه‌های طرف دیگر شهر می‌روند. موضوع مهم درباره کیفیت نوشیدنی‌ها و غذاهایی که در کافه‌ها سرو می‌شود، این است که هیچ ربطی به منطقه استقرار کافه ندارد. چه بسیار کافه‌هایی که در مرکز یک منطقه بالاشین واقع شده و با قیمت‌های نجومی، غذای بی کیفیت ارائه می‌دهند و چه بسیار غذای بسیار خوشمزه در یک کافه مرکز شهر و یک منطقه با طبقه اجتماعی فرودست.

## منوی کافه‌ها؟

امروز منوی کافه‌ها از سرو چایی در قهوه خانه به یک لیست بلندبالایی رسیده است.

گزینه‌های انتخاب در منوی کافه‌ها به برخی ویژگی‌های مشخصی مثل تم و استایل یک کافه بستگی دارد. این‌که کافه در شمال یا جنوب شهر واقع شده، تاثیر مستقیمی در نام‌های موجود در فهرست نوشیدنی‌ها و دسرهای آن دارد.

ممکن است در یک منو، نام «فوکاچیا» بسیار ناملموس بیاید و از گارسون بخواهید که برایتان شرح دهد یا با سرچ در اینترنت از محتویات آن باخیر شوید، ولی درآرتر متوجه می‌شوید که فوکاچیا در واقع همان نان و پنیر خودمان است که این کافه برای لاکچری به نظر می‌رسد.

سیدان از نام‌های ایتالیایی استفاده می‌کنند. برخی کافه‌ها فقط قهوه مثل قهوه ترک، اسپرسو، آمریکانو، موکا، کاپوچینو و لاته سرو می‌کنند که البته نمی‌توان قهوه ترک و اسپرسو خوش طعم را در هر جایی پیدا کرد، اما باقی نوشیدنی‌ها چون با شیر مخلوط می‌شوند، معمولاً در تمامی کافه‌ها قابل قبول هستند.

برخی دیگر از کافه‌ها، بیشتر اهل سرو چایی هستند که به آن‌ها چایخانه گفته می‌شود. شاید تفکر ما از چایخانه یک محیط کتیف و پر از چرک و استکان‌های کمرباریک با نعنبکی قرمز رنگ باشد که مرد سیبیلویی با لنگ رنگ و رورفته بر شانه‌اش، قوری چند کیلویی را بلند کرده و دانه به دانه استکان‌ها را پر می‌کند، درحالی که چایخانه امروز، با محیط مدرن و تمیز و دیوارها و صندلی‌های رنگارنگ، پذیرای قشر جوان دختر و پسر با تیپ‌های مدرنی است که از نگاه بزرگترها، اجق و جق به نظر می‌رسد.

قهوه‌خانه‌ها و کافه‌های امروز دیگر صرفاً محلی برای نوشیدن چای یا قهوه نیستند، بلکه به بازاری از تغییر سبک زندگی، روابط اجتماعی و الگوهای تفریحی نسل‌های مختلف تبدیل شده‌اند؛ فضاهایی که از یک سو پاسخگوی نیاز جوانان به تعامل اجتماعی و فرار از روزمرگی هستند و از سوی دیگر با چالش‌هایی همچون هزینه‌های بالا، تجاری‌سازی افراطی و عادی‌سازی مصرف دخانیات روبه‌رو شده‌اند.

به نظر می‌رسد آینده این فضاهای شهری، بیش از هر چیز، به تعادل میان کارکرد فرهنگی، سلامت اجتماعی و نظارت مؤثر وابسته است. / ایرنا

داده شده و به آن کافه کتاب گفته می‌شود یا کافه دیگری که به محض ورود به آن، بوی سیگار و دود از آن استشاق می‌شود و بیشتر شبیه به قهوه خانه خانوادگی است.

شاید در گذشته فقط مردها می‌توانستند به قهوه خانه بروند و قلیان چاق کنند و با رفقای خود گپ بزنند و حضور یک خانم در چنین جمعی، قبح بود، اما امروز در کنار وجود چنین قهوه خانه‌هایی، کافه‌های خانوادگی وجود دارد که زنان و کودکان در کنار آقایان، قلیان چاق می‌کنند و با همدیگر گپ می‌زنند.

اینکه بگوییم کافه صرفاً یک مکان دنج و فرهنگی و مخصوص انسان‌های روشن فکر و مدرن است، یک تفکر عبث است زیرا امروز کافه‌ها بر اساس سلاقی و علاقی اقشار مختلف مردم می‌توانند منعطف باشند.

## چرا تمایل به کافه رفتن زیاد شده است؟

یکی از دلایل مهمی که می‌توان برای ازدیاد و افزایش استقبال از کافه برشمرد، از بین رفتن تفریح‌های سالم برای جوانان است. قطعاً اگر امروز از یک جوان بپرسیم که تفریحات چیست، می‌گوید جوان امروز که تفریح ندارد. جمع شدن تمامی زندگی و تفریحات در داخل یک گوشی و تسهیل دسترسی به آن، باعث شده تا تفریحات هم هزینه بر شوند.

یک مثال کوچک در این باره هزینه‌ها؛ تفریح یک کودک، بازی در کوچه بود که نهایت هزینه‌اش می‌شد، خرید ۲ توپ پلاستیکی و ۲ لایه کردن یک توپ، اما امروز تفریح برای یک کودک، بازی با تلفن همراه، تبلت و لپتاپ شده که هزینه خریداری این تجهیزات به همراه اینترنت ماهانه و سایر هزینه‌های پزشکی برای عوارض ناشی از استفاده مکرر از این تکنولوژی‌ها را به همراه دارد.

این موضوع در زندگی بزرگسالان نیز دیده می‌شود. تفریح برای هر رده سنی با هزینه بالایی همراه است که کمترین و اقتصادی ترین آن، کافه رفتن است. هرچند که تفریح آنچنانی هم برای بزرگسالان وجود ندارد؛ بنابراین رفته رفته درخواست برای رفتن به کافه بیشتر شده و به دنبال آن نیز شاهد تعدد کافه‌ها با تم‌ها و مخاطب‌های مختلف هستیم.

روزی در تبریز تنها تعداد محدودی کافه وجود داشت و هر یک جایگاه به خصوصی بین مردم داشتند و کافه رفتن، یک کار لاکچری و مخصوص فرنگی دوستان و پولدارها شناخته می‌شد، اما امروز آنقدر تعداد کافه‌ها افزایش یافته که تنها در یک خیابان این شهر، تعداد آن‌ها فراتر از انگشتان ۲ دست می‌رود.

## کافه فقط برای پولدارها و لاکچری بازاها؟

کافه‌ها مطابق با سطح فرهنگ و طبقه اجتماعی یک منطقه از شهر تفاوت‌هایی دارند. کافه‌های منطقه پایین شهر، یک مکان معمولی با صندلی‌ها و رنگ آمیزی روئین به همراه منوی مناسب قیمت و کیفیت متوسط است و افراد آن نیز همان هم محله‌ای‌های خود هستند، اما رفته رفته که به مناطق بالاشین می‌رویم، قیمت منو بالاتر می‌رود، مشتری‌ها مدرن تر می‌شوند و فضای کافه نیز گاه با یک تم خاصی، زینت داده می‌شود؛ مثلاً یک کافه با رنگ آمیزی تماماً صورتی و گل آرای و تزئینات

طرح نو؛ گروه گزارش کافه‌نشینی که روزگاری تفریحی محدود و لاکچری تلقی می‌شد، امروز به بخشی روزمره از زندگی بسیاری از جوانان و خانواده‌ها تبدیل شده است؛ پدیده‌ای اجتماعی که همزمان با افزایش تعداد کافه‌ها، کارکردهای فرهنگی، اقتصادی و حتی سلامت‌محور متفاوتی به خود گرفته است.

بعد از یک روز سخت کاری و مشغولیت‌های ذهنی، به دنبال تفریحی با رفیق و جمع دوستانه و یا حتی به تنهایی، می‌گردید و در نهایت به این نتیجه می‌رسید که به پاتوق همیشگی خود در کافه بروید یا یک کافه جدید دیگر را امتحان کنید.

پس از سال‌ها، دوست جدیدتان را می‌بینید، به جلسه آشنایی قبل از ازدواج دعوت می‌شوید یا با پدر یا مادرتان برای صحبت در خارج از خانه قرار می‌گذارید، همه این موقعیت‌ها به جز موارد استثنا در آخر به یک نقطه منتهی می‌شود. آن هم رفتن به کافه و سفارش نوشیدنی همراه با یکیک.

امروز کافه رفتن برای بسیاری تبدیل به بخشی جدایی ناپذیر از زندگی شده است. یکی برای قرار و صحبت و دیگری صرفاً برای پر کردن اوقات تنهایی و خواندن کتاب به کافه می‌رود و اگر ساعتی را در کافه بنشینید، بر این موضوع واقف می‌شوید. اگر اندکی ولخرجی کنید هم صرف صبحانه، ناهار و شام در کافه یکی از گزینه‌های مدنظر می‌تواند باشد.

جوانان که به اقتصادی سن شان، هیجان و شوق کافی برای حضور در اماکنی بر جمعیت زیاد دارند، ادعان می‌کنند که کافه شاید تنها تفریح سالم آن‌ها می‌تواند باشد؛ جایی برای نشستن، صحبت کردن و وقت گذراندن. فضایی که برای برخی فرهنگی و برای برخی دیگر صرفاً جنبه سرگرمی دارد البته اگر دود و دم را لحاظ نکنیم.

شاید این بخش روزمره از زندگی برای بزرگتر ها فقط خرج کردن اضافی پول به نظر برسد و حتماً خیلی از جوان‌ها این حرف را از پدر و مادر خود شنیده‌اند که «چایی می‌خواهی بنوشی، در خونه هرچقدر که دوست داری بنوش، نمی‌خواهد آن همه پول برای یک استکان چایی بدهی» و به احتمال زیاد در جواب گفته‌اند که از خانه ماندن خسته شده‌اند و دلشان گشت و گذار می‌خواهد. اندکی گشت و گذار و پیاده روی در خیابان و در نهایت نشستن در یک کافه و نوشیدن چایی، قهوه یا نوشیدنی سرد.

اگر بگوییم که کافه رفتن به یک سنت در بین جوانان، نوجوانان و حتی رفته رفته در بین کودکان تبدیل شده است، بیراهه نگفته‌ایم. آنقدر طرفدار و هوادار پیدا کرده که تعداد کافه‌ها در این روزها به صورت قارچ گونه‌ای در نقاط پر رفت و آمد شهر، درحال افزایش است. منوهای جدید، تم‌های متفاوت و تولیدمحتوای خاص برای جذب مخاطب بین کافه دارها به یک رقابت تبدیل شده است.

## کافه، مکان دنج و فرهنگی یا دود کردن؟

امروز از هر نوع کافه‌ای که در نظر می‌گنجد، می‌توان نمونه فیزیکی آن را در شهر یافت. می‌توان کافه‌ای را پیدا کرد که میزهایش در لابلای قفسه‌های کتاب قرار

# جامعه بدون فرهنگ، جامعه‌ای عریان است

فرهنگی‌شان آشکار می‌شود. جامعه‌ای با فرهنگ مشارکت، تعاون و مسئولیت، بحران را فرصتی برای هم‌دلی و رشد می‌بیند؛ اما جامعه‌ای بدون فرهنگ، دچار هرج‌ومرج و فروپاشی اخلاقی می‌شود. در واقع، فرهنگ همان سپر نامرئی در برابر فروپاشی اجتماعی است. هیچ دولتی بدون پشتوانه فرهنگی نمی‌تواند نظم پایدار را تضمین کند. قانون اگر ریشه در باورهای فرهنگی مردم نداشته باشد، به‌سرعت بی‌اثر می‌شود. از همین روست که رهبران خردمند، بیش از هر چیز، به صیانت از فرهنگ ملی و تقویت هویت جمعی توجه می‌کنند. زیرا می‌دانند جامعه‌ای که ارزش‌ها و باورهای خود را بشناسد، حتی در سخت‌ترین شرایط، وحدتش را حفظ خواهد کرد.

## نقش رسانه و نهادهای فرهنگی در بازتولید فرهنگ

امروزه رسانه، نقش تعیین‌کننده‌ای در آموزش و تثبیت فرهنگ عمومی دارد. در جهانی که مرز میان واقعیت و نمایش باریک شده، هر برنامه، هر محتوا و هر خبر می‌تواند در ساختار ذهنی جامعه اثر بگذارد. رسانه‌ای که دغدغه فرهنگ نداشته باشد، به‌جای آگاهی، سطحی‌گرایی می‌پراکند.

مهم‌تر از تبلیغ مستقیم، نمایش الگوی زیست فرهنگی است. وقتی مردم اخلاق، انصاف و خردورزی را در رفتار مسئولان، معلمان، هنرمندان و مجریان می‌بینند، فرهنگ به‌صورت طبیعی بازتولید می‌شود. اما اگر شکاف میان گفتار و کردار در جامعه گسترش یابد، فرهنگ رسمی کارکرد خود را از دست خواهد داد.

نهادهای فرهنگی، آموزشی و دینی باید در همکاری مستمر با خانواده، مأموریت اصلی خود را در بازسازی اخلاق جمعی ببینند. همین هماهنگی میان نهادهاست که می‌تواند روح فرهنگی جامعه را زنده و باثبات نگه دارد. در نگاه توسعه‌محور امروز، مفهوم «سرمایه فرهنگی» در کنار سرمایه اقتصادی مطرح است. جوامعی که سرمایه فرهنگی بالایی دارند، حتی اگر از منابع طبیعی محدودتری برخوردار باشند، مسیر پیشرفت را سریع‌تر طی می‌کنند.

وقتی وجدان کاری، احترام به قانون، حس مسئولیت و تعاون در جامعه نهادینه شود، چرخ‌های توسعه بی‌هزینه‌تر می‌چرخند. در مقابل، جامعه‌ای که از اخلاق و اعتماد تهی شود، حتی با ثروت‌های کلان نیز به‌سادگی سقوط می‌کند. در این معنا، فرهنگ نه‌تنها پشتوانه اخلاقی بلکه عامل اصلی شکوفایی اقتصادی و سیاسی است.

## بازگشت به خود فرهنگی

در جهان امروز که فرهنگ مصرفی و فردگرایی افراطی از طریق فناوری و رسانه ترویج می‌شود، جوامعی موفق‌ترند که توانسته‌اند میان گشودگی جهانی و اصالت فرهنگی توازن برقرار کنند. بازگشت به فرهنگ به معنای انزوا نیست؛ بلکه به معنای بازشناسی خویشین در متن جهان است. جامعه‌ای که ریشه‌های فرهنگی خود را بشناسد، از مدرنیته نمی‌ترسد؛ بلکه آن را در خدمت ارزش‌های بومی خود به‌کار می‌گیرد. برای ما ایرانیان، فرهنگ نه میراثی موزه‌ای، بلکه سرچشمه‌ای زنده از معنا و همبستگی است. از خوش‌نویسی تا شعر، از مهمان‌نوازی تا روحیه جوانمردی، همه این عناصر بخشی از زره نامرئی ما در برابر فرسایش اخلاقی جهان امروز است.

در پایان باید گفت که جامعه، بدون فرهنگ، همچون جسمی بی‌روح و لباسی بی‌نقش است. فرهنگ است که به انسان جهت می‌دهد، به رفتارها معنا می‌بخشد و روابط انسانی را از شتاب‌زدگی و خشونت نجات می‌دهد.

هیچ پیشرفتی پایدار نخواهد بود مگر آنکه بر پایه فرهنگی پویا، اخلاقی و خودآگاه استوار شود. امروز شاید بیش از هر زمان دیگر نیازمند بازاندیشی فرهنگی هستیم؛ بازگشت به ارزش‌های راستین، نه به‌عنوان شعار، بلکه به‌منزله طرحی نو برای زیستن انسانی‌تر و جامعه‌ای گرم‌تر.

در جهانی که خط فقر فرهنگی از خط فقر اقتصادی خطرناک‌تر شده است، باید فریاد زد: فرهنگ، نه زینت جامعه، بلکه لباس حقیقت آن است؛ و جامعه بی‌فرهنگ، جامعه‌ای عریان و بی‌پناه در برابر طوفان زمانه است.

طرح نو؛ سردبیر فرهنگ، همچون روحی در کالبد جامعه جاری است. اگر اقتصاد را ابزار حرکت و سیاست را نظام هدایت بدانیم، فرهنگ در حکم «هویت» جامعه است؛ عنصری که غیابش نه سکوت می‌آورد، بلکه خلأیی هولناک از معنا، همدلی و جهت‌گیری را بر جای می‌گذارد. جامعه بدون فرهنگ، جامعه‌ای عریان است؛ زیرا فرهنگ همان پوشش نامرئی اما حیاتی است که به زندگی اجتماعی حرمت، نظم و معنا می‌بخشد. فرهنگ را می‌توان به زبان ساده «طرز بودن انسان در جامعه» دانست. انسان تا زمانی که تنهاست، ممکن است اندیشه و رفتار فردی داشته باشد، اما به محض ورود به اجتماع، قالبی برای سنجش، داوری و تعامل نیاز دارد. اینجاست که فرهنگ، یعنی مجموعه‌ای از باورها، ارزش‌ها، آداب و الگوهای رفتاری، تبدیل به نظامی نانوشته می‌شود که روابط انسانی را سامان می‌دهد.

بی‌فرهنگی، همانند حیات بدن بدون دستگاه عصبی است؛ شاید جسمی وجود داشته باشد، اما از هویشاری و جهت تهی است. جامعه‌ای که فرهنگ خود را بشناسد، در برابر بحران‌ها ایستادگی می‌کند و در برابر تغییرات جهانی، با حفظ هویت خود سازگار می‌شود. اما جامعه‌ای که از فرهنگ خویش جدا شود، هرچقدر از لحاظ مادی غنی باشد، از درون تهی و آسیب‌پذیر خواهد بود.

## نقش فرهنگ در بازسازی جامعه

فرهنگ، نه فقط در رفتار روزمره مردم بلکه در بنیان نهادهای اجتماعی نیز حضور دارد. نگاهی به جوامعی که در مسیر توسعه قرار گرفته‌اند، نشان می‌دهد پیش از هر تحول اقتصادی یا سیاسی، دگرگونی فرهنگی اتفاق افتاده است. در کشورهایی که نظم، اعتماد عمومی، و مسئولیت‌پذیری اجتماعی درونی شده است، این ویژگی‌ها نتیجه مقررات بیرونی نیست، بلکه از بطن فرهنگ برخاسته‌اند. اعتماد، امانت‌داری، وجدان کاری و احترام متقابل، ریشه در تربیت فرهنگی دارند و نه در اجبار قانونی.

بنابراین، اصلاح فرهنگ عمومی مقدم بر هر اصلاح ساختاری است. سیاستمداری که به ارزش‌های فرهنگی ملت خویش بی‌اعتنا باشد، همچون معماری است که بر زمین سست، برج می‌سازد.

فرهنگ پدیده‌ای آنی یا موروثی صرف نیست؛ باید آن را آموخت، درون‌سازی کرد و به نسل بعد انتقال داد. همان‌گونه که درختی بدون آبیاری پژمرده می‌شود، فرهنگی که آموزش رها شود، دیر یا زود فراموش می‌گردد.

این نکته‌ای مهم است، به‌ویژه در عصر رسانه و جهانی‌شدن که مرزهای فرهنگی سست‌تر شده‌اند. در چنین شرایطی، آموزش فرهنگ ملی از خانواده تا مدرسه، از رسانه تا نهادهای فرهنگی ضرورتی دوچندان دارد. جامعه‌ای که به تربیت فرهنگی فرزندان خود بی‌اعتنا باشد، ناگهان درمی‌یابد که نسل بعدی نه‌تنها زبان و آداب گذشته را نمی‌شناسد، بلکه در برابر تهاجم فرهنگی نیز بی‌دفاع است. فرهنگ را نمی‌توان بخش‌نامه کرده؛ باید زیست و تجربه‌اش کرد. وقتی کودک در خانه تجربه احترام، راست‌گویی، نظم و نوع‌دوستی را ببیند، فرهنگ به‌صورت ناخودآگاه در شخصیت او جاری می‌شود.

## آسیب‌های جامعه بی‌فرهنگ

جامعه‌ای که از فرهنگ تهی شود، در حقیقت از قدرت تشخیص و همبستگی بازمی‌ماند. در چنین جامعه‌ای، سود فردی جای خدمت جمعی را می‌گیرد و اخلاق به ابزاری موقتی بدل می‌شود. نتیجه، چیزی جز فروپاشی سرمایه اجتماعی نیست.

بی‌فرهنگی خود را در بی‌نظمی، قانون‌گریزی، گفتار خشن، بی‌اعتمادی عمومی و از بین رفتن روحیه کار جمعی نشان می‌دهد. این همان عریانی است که در آن، انسان‌ها کنار یکدیگر زندگی می‌کنند اما روحی مشترک ندارند.

به تعبیر جامعه‌شناسان، فرهنگ نقشه‌ای است که انسان را از حیوان اجتماعی به موجود اخلاقی ارتقا می‌دهد. وقتی این نقشه از میان رود، غرایز جایگزین خرد می‌شوند و مصرف‌زدگی، خشونت، دروغ و نفاق، شکل معمول زیست اجتماعی می‌گردند.

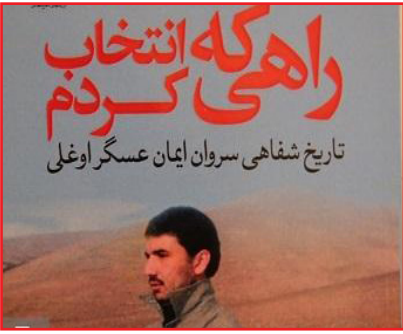
در دوران‌های بحرانی، از جنگ تا فقر و حتی پاندمی‌ها، تفاوت جوامع در میزان سرمایه

## پیام اجتماعی

## فرزندان خود را در انتخاب دوستان شایسته یاری کنیم

معرفی کتاب

## راهی که انتخاب کردم



طرح نو؛ گروه خبر  
کتاب «راهی که انتخاب کردم» اثری است به نویسندگی «سیاوش رحیمی» که به خاطرات «ایمان عسگر اوغلی» رزمنده دفاع مقدس پرداخته است. این کتاب به همت اداره کل حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس و مقاومت آذربایجان غربی به چاپ رسیده است.  
کتاب «راهی که انتخاب کردم» اثری است به نویسندگی «سیاوش رحیمی» در سال ۱۴۰۳ توسط انتشارات «سرزمین حماسه» در ۵۰۰ جلد به چاپ رسیده است و خاطرات رزمنده دفاع مقدس، «ایمان عسگر اوغلی» را نقل می‌کند.

راوی این کتاب «سروان ایمان عسگر اوغلی» یکی از رزمندگانی است که در طول بیش از ۲۷ سال خدمت صادقانه در ژاندارمری و نیروی انتظامی در دوران انقلاب و درگیری‌های پس از پیروزی انقلاب با ضدانقلاب و جنگ طولانی با دشمن یعنی از خود کارنامه درخشان و ماندگاری به یادگار گذاشته است.  
این کتاب به همت اداره کل حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس و مقاومت آذربایجان غربی منتشر شده است.

در قسمتی از این کتاب می‌خوانیم:

«دی ماه بود که شنیدم ژاندارمری استان آذربایجان غربی نیرو استخدام می‌کند. در این آزمون استخدامی شرکت کردم و این بار خوشبختانه با نمره بالا قبول شدم و در تاریخ دوازدهم دی ماه سال ۱۳۶۰ برای گذراندن دوره آموزش ما را به فرودگاه ارومیه منتقل کردند و من از این تاریخ به ژاندارمری پیوستم.»

مدیرکل حفاظت محیط زیست آذربایجان غربی :

## بارش‌های زمستانی ۵۰ درصد آب‌انبارهای جزایر دریاچه ارومیه را پر کرد



و مناطق حساس حاشیه دریاچه به‌طور مستمر تحت رصد قرار دارند.  
مدیرکل حفاظت محیط زیست آذربایجان غربی به بهره‌گیری از فناوری‌های نوین در راستای افزایش دقت پایش اشاره کرد و گفت: در کنار گشت‌های میدانی، از پایش هوشمند و پهپاد حرارتی (ترمال) برای افزایش

ملی دارد.  
جباری درباره زیرساخت‌ها و نیروی انسانی مشغول به کار در این پارک ملی، اعلام کرد: پایش آنلاین پارک ملی دریاچه ارومیه به‌صورت شبانه‌روزی ادامه دارد و اکنون ۶ دوربین در جزایر و سایت رشکان فعال است. وی ادامه داد: سه پاسگاه محیط‌بانی در مناطق چی‌چست، جزایر پارک ملی و رشکان و یک گشت نامحسوس نیز در منطقه حضور فعال دارند و در مجموع، ۲۸ محیط‌بان به‌صورت شبانه‌روزی در حال پایش پارک ملی دریاچه ارومیه و حریم آن هستند.  
مدیرکل حفاظت محیط زیست آذربایجان غربی هشدار داد که هرگونه برداشت غیرمجاز شن، ماسه یا نمک از بستر دریاچه بدون مجوز، تخلف محسوب شده و یگان حفاظت با هرگونه تخلف در حریم و محدوده پارک ملی، مطابق ضوابط و مقررات قانونی برخورد قاطع خواهد کرد.

پارک ملی دریاچه ارومیه با دارا بودن ۱۰۲ جزیره کوچک و بزرگ، یکی از زیستگاه‌های منحصربه‌فرد کشور به‌شمار می‌رود. از میان این جزایر، چهار جزیره اصلی شامل کیوان، اشک، اسپیر و آرزو از اهمیت ویژه‌ای برخوردارند و زیستگاه گونه‌های ارزشمندی همچون قوچ و میش ارمنی و گوزن زرد ایرانی هستند. ایرنا

طرح نو؛ گروه خبر

مدیرکل حفاظت محیط زیست آذربایجان غربی گفت: در پی بارش‌های مناسب در حوضه آبریز دریاچه ارومیه، هم‌اکنون ۵۰ درصد از آب‌انبارهای موجود در جزایر پارک ملی دریاچه ارومیه از آب پر شده که این موضوع نوبدبخش وضعیت مناسب آبی در این زیستگاه‌های حساس است.  
حجت جباری افزود: ظرفیت آب ذخیره موجود در جزیره کیوان ۱۵۵ هزار، اشک ۲۳۴ هزار، اسپیر و آرزو هر کدام هفت هزار لیتر است.  
مدیرکل حفاظت محیط زیست آذربایجان غربی با بیان اینکه مسیر اغلب جزایر مسدود بوده و هیچ فردی به جز محیط‌بانان قادر به ورود به این مناطق نیست، تصریح کرد: پایش شبانه‌روزی و مؤثر زیستگاه‌ها با استفاده از فناوری‌های نوین ادامه دارد.  
وی بر اهمیت حفاظت مؤثر از این زیستگاه‌ها و تأکید کرد و ادامه داد: گشت و کنترل در حریم پارک ملی دریاچه ارومیه به‌صورت منظم و شبانه‌روزی توسط یگان حفاظت انجام می‌شود.

جباری اضافه کرد: این گشت‌ها با هدف کنترل تردهای غیرمجاز، جلوگیری از شکار و صید غیرقانونی، پیشگیری از تخریب پوشش گیاهی و مقابله با برداشت غیرمجاز منابع طبیعی اجرا می‌شود

رئیس اداره ترانزیت اداره کل راهداری و حمل‌ونقل جاده‌ای استان:

## ۴ میلیون مسافر از پایانه مرزی آذربایجان غربی تردد کرده اند



مرزی استان در ۹ ماهه گذشته از سال جاری خبر داد. رئیس اداره ترانزیت راهداری استان اظهار کرد: در

طرح نو؛ گروه خبر

رئیس اداره ترانزیت اداره کل راهداری و حمل‌ونقل جاده‌ای آذربایجان غربی گفت: طی ۹ ماهه، چهار میلیون و ۷۶۷ هزار و ۵۲۹ نفر مسافر ایرانی و خارجی از پایانه‌های مرزی استان تردد کرده اند.  
هاروی مدرس در این زمینه اظهار کرد: طی ۹ ماهه امسال، چهار میلیون و ۷۶۷ هزار و ۵۲۹ نفر مسافر ایرانی و خارجی از پایانه‌های مرزی استان تردد کرده‌اند که این آمار نسبت به مدت مشابه سال گذشته ۱۶.۹۷ درصد افزایش داشته است.

رئیس اداره ترانزیت اداره کل راهداری و حمل‌ونقل جاده‌ای آذربایجان غربی افزود: پایانه مرزی رازی با ثبت تردد بیش از یک میلیون و ۳۵۱ هزار نفر، بیشترین میزان تردد مسافر را در میان پایانه‌های مرزی استان به خود اختصاص داده است.

وی از عبور بیش از ۱۲۷ هزار ناوگان ترانزیتی از پایانه‌های مرزی آذربایجان غربی و رشد قابل توجه تردد ناوگان باری، مسافری و ترانزیتی از پایانه‌های

رئیس کل دادگستری استان:

## ۵ هزار خودروی توقیفی در پارکینگ‌های آذربایجان غربی انباشت شده است



دست‌نشانده‌های آنان منتظر یک اتفاق و ناراضیانی برای ایجاد التهاب در جامعه هستند تا از آب گل آلود ماهی بگیرند و امنیت مردم و جامعه را به مخاطره اندازند که دستگاه قضائی و مراجع انتظامی با ارائه خدمات در امر احقاق حق و صیانت و حفاظت از حقوق عامه نقش بسیار مؤثری در فرو نشاندن این التهاب دارند.  
رئیس کل دادگستری استان تأکید کرد: اعتراض به حق است ولی اغتشاش به هیچ وجه قابل قبول نیست و باید با تفکیک این دو، از اقدامات اغتشاشگران با برخورد قاطع و بازدارنده جلوگیری کرد.  
دادستان عمومی و انقلاب مرکز آذربایجان غربی نیز در خصوص تعیین تکلیف خودروهای توقیفی در

طرح نو؛ گروه خبر

رئیس کل دادگستری آذربایجان غربی از وجود دو هزار و ۵۶۳ دستگاه وسیله نقلیه توقیفی فاقد دستور قضائی و دو هزار و ۴۵۰ دستگاه دارای دستور قضائی در پارکینگ‌های استان خبر داد.

ناصر عتباتی در دهمین جلسه بررسی آخرین وضعیت خودروهای رسوبی و توقیفی پارکینگ‌های استان که در سالن امامت دادگستری برگزار شد، افزود: خودروهایی که در غیر موارد مطرح در «ماده ۳ آیین‌نامه معاونت حقوقی ریاست قوه قضائیه» توقیف شدند، احصاء و اطلاعات آنها را در اختیار رؤسای دادگستری‌های شهرستان‌ها قرار دهند تا با نظارت و پیگیری آنها طرف یک ماه تعیین تکلیف شوند.

وی ادامه داد: بازدیدها، جلسات و اقدامات متعددی در راستای تعیین تکلیف و ساماندهی وسائط نقلیه موتوروی موجود در پارکینگ‌ها انجام گرفته است که این اقدامات باید با جدیت ادامه یابد.

رئیس شورای قضائی استان ادامه داد: باید در بحث توقیف و انتقال وسائط نقلیه موتوروی در پارکینگ‌ها فقط به قدر متفق و به قدر ضرورت اکتفا کرد و دادستان‌ها به این امر نظارت داشته باشند تا هر گونه طرح ارتقا امنیت اجتماعی که توقیف وسیله نقلیه مدنظر است حتماً پیوست قضائی داشته باشد و اگر برابر مقررات و قوانین خودرو توقیف و به پارکینگ منتقل شد، تعیین تکلیف آن در اسرع وقت در دستور کار قرار گیرد.  
وی با بیان اینکه امنیت و صدها موضوعی که نیاز ضروری اجتماعی مردم است مستقیم با مراجع قضائی و انتظامی ارتباط دارد، ادامه داد: دشمنان و معاندین و

برادر شهید تمکین‌وش:

## خدمت به والدین مهم‌ترین توصیه برادرم بود



زمانی مربوط می‌شود که باهم سوار اتوبوس شدیم تا او به قم برگردد من نیز به دبیرستان بروم ولی به من تذکر داد که این آخرین دیدار ما است؛ با وجودی که بیش از ۳۵ سال از شهادت برادرم می‌گذرد اما هنوز وقتی این خاطره برای من یادآوری می‌شود، اشک می‌ریزم.  
وی اضافه کرد: هم‌رزم‌های برادرم از او یک خاطره نقل می‌کنند که «برادرم آریجی‌زن بود و در یکی از عملیات‌ها از ناحیه بازو مجروح می‌شود، دوستانش از او می‌خواهند که به عقب برگشته و جراحت خود را مداوا کند اما حسن قبول نمی‌کند و می‌گوید اگر من برگردم بقیه خواهند گفت طلبه فرار کرد، پس عمامه خود را باز کرده و با قسمتی از آن

طرح نو؛ گروه خبر

محمد تمکین‌وش گفت: خدمت به والدین مهم‌ترین توصیه برادرم بود بنابراین سعی کردم همیشه در این راه قدم بردارم.  
محمد تمکین‌وش برادر شهید حجت‌الاسلام حسن تمکین‌وش از شهدای هشت سال دفاع مقدس گفت: برادرم همیشه توصیه می‌کرد در خدمت پدر و مادر بوده و سعی کنم انسان موفقی باشم تا والدین به من افتخار کنند، بنابراین همواره سعی کردم پدر و مادرم را از خود راضی نگه دارم زیرا با این امر رضایت برادر شهیدم را نیز جلب کرده‌ام.

وی ادامه داد: برادر ورزشکار، پرتلاش، ساعی، دیندار و منظم بود و این باور را داشت که باید همیشه از آمادگی جسمانی برخوردار باشیم، او دانشجوی اتومکانیک دانشگاه تبریز بود که پس از انصراف در حوزه علمیه تبریز و قم ادامه تحصیل داد.  
برادر شهید حجت‌الاسلام حسن تمکین‌وش ضمن ابراز خشنودی از اینکه با برادر شهیدم ارتباط خوبی داشتم و همواره در کنار ایشان بودم و خاطرات زیادی از او دارم، افزود: آخرین خاطره من به

جراحت خود را می‌بندد؛ تا آخرین لحظه به مبارزه ادامه می‌دهد تا اینکه بر اثر اصابت ترکشی به سینه‌اش شربت شیرین شهادت نوشید.  
یادآور می‌شود، حسن تمکین‌وش یکم شهریور ۱۳۴۱ در ارومیه دیده به جهان گشود، پدرش صالح و مادرش زرنشان نام داشت، تا پایان دوره متوسطه درس خواند و دیپلم گرفت، سپس به تحصیل در حوزه علمیه پرداخت؛ طلبه بود و از سوی سپاه پاسداران در جبهه حضور یافت.  
بیست‌وپنجم دی ۱۳۶۵ در شلمچه بر اثر اصابت گلوله به شهادت رسید، پیکر این شهید والا مقام در گلزار شهدای زادگاهش به خاک سپرده شد.

صاحب امتیاز، مدیر مسئول و سردبیر: دکتر محمدرضا ربانی

آدرس تبریز: خیابان امام – مابین چهارراه منصور و میدان ساعت – جنب مسجد کبود

مجمع تجاری ابریشم – طبقه اول – واحد شماره ۹ شماره تماس: ۳۵۲۴۱۹۵۲

آدرس ارومیه: ابتدای خیابان سرداران ۱- پ ۲۲- طبقه ۳- واحد ۱۱

تلفکس: ۳۲۲۴۸۵۸۸-۰۴۴

لینتوگرافی و چاپ: شاخه سبز

## یادداشت

## هشترود؛

## شهری که آب آن را ساخته است

طرح نو؛ زهرا ژرفی مهر

شهری که پیش از آن‌که با دیوار و خیابان شناخته شود، با آب معنا پیدا می‌کند. نامش خود روایتگر هویتش است؛ سرزمینی که رودها در آن به هم می‌رسند و زندگی را شکل می‌دهند. قزل‌اوزن، شاهرگ همیشه‌جاری این منطقه، در کنار رودها و مسیل‌های فصلی اطراف، نه‌فقط زمین را سیراب کرده، بلکه ذهن، معیشت و ریتم زندگی مردم را نیز جهت داده است.

در این میان، کشاورزی، دامداری و صبر سه ستون نان و نام هشترودند.

اقلیم هشترود سخت است، اما با انسان بیگانه نیست. زمستان‌ها سرد و طولانی‌ست و تابستان‌ها کوتاه و زودگذر؛ و همین ویژگی، مردمانی ساخته کم‌حرف، دقیق و مقاوم. اینجا زندگی شتاب ندارد؛ هر چیز به وقت خودش رخ می‌دهد، درست مانند روییدن گندم و جو در دشت‌های پهن اطراف شهر. زمین وسیع است و آسمان بلند؛ این گشودگی، به روحیه مردم هم وسعت داده است.

گذشته هشترود در سکوت تپه‌ها، محوطه‌های باستانی و قلعه‌ها پنهان است. قلعه ضحاک (نارین‌قلعه) چون نگهبانی کهنسال، بر فراز تاریخ ایستاده و یادآور روزگاری است که این سرزمین هم گذرگاه بوده و هم پناهگاه؛ آثار باستانی پیرامون شهر نشان می‌دهد که هشترود همیشه محل ماندن بوده، نه عبور ساده؛ جایی که انسان آموخته با طبیعت کنار بیاید، نه بر آن غلبه کند.

فرهنگ هشترود، فرهنگی بی‌ادا و صریح است. زبان ترکی آذربایجانی در گفتار روزمره جاری‌ست و آیین‌ها ساده اما پرمعنا برگزار می‌شوند؛

نوروز با بوی خاک خیس، سبزه واقعی و خانه‌تکانی جمعی،

مراسم مذهبی با مشارکت گسترده مردم در مساجد و حسینیه‌ها،

و عروسی‌های محلی که در آن هنوز خانواده، همسایه و ریش‌سفیدان نقش اصلی را دارند.

در هشترود، روابط انسانی هنوز ارزش خود را حفظ کرده‌اند و فاصله‌ها چه مکانی و چه عاطفی کوتاه مانده‌اند.

سفره هشترودی ادامه همان شیوه زندگی است؛

نان محلی و تنوری،

غذاهای مبتنی بر گوشت و غلات،

لبنیات تازه مانند پنیر محلی، ماست چکیده، کره و سرشیر روستایی،

و آش‌هایی چون آش گندم، آش یارما و آش دوغ که ساده‌اند اما جان‌دار؛ غذا در اینجا برای نمایش نیست؛ برای جان‌گرفتن است گرم، مقوی و متناسب با کار روزانه لحاظ شده است.

هشترود امروز، شهری آرام است با ظرفیت‌های گسترده در کشاورزی، منابع آبی، دامپروری و توسعه متعادل. اگر گوش شنوا داشته باشی، این شهر زیاد حرف نمی‌زند؛

اما هرچه هست، عمیق است و ریشه‌دار؛

هشترود را باید زندگی کرد،

نه فقط دید.

### گزارش

# طرح نو

رتبه ۳ در طرح رتبه بندی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

در دیدار شهردار تبریز

با مدیرکل صداوسیماى مرکز آذربایجان شرقی مطرح شد:

## ارتقای کیفیت زندگی و افزایش

## رضایتمندی شهروندان،

## هدف غایی مدیریت شهری

طرح‌نو؛ گروه شهری

شهردار تبریز با تأکید بر اهمیت احساس عینی خدمات شهری از سوی شهروندان گفت: رسانه‌ها نقش مهمی در تبیین دارند، اما آنچه برای مردم اهمیت دارد، لمس نتیجه عملکردها در بطن شهر و زندگی روزمره است.

یعقوب هوشیار در دیدار با ایوب نصیری، مدیرکل جدید صداوسیماى آذربایجان‌شرقی، با اشاره به جایگاه رسانه در مدیریت شهری اظهار کرد: رسانه ابزار مهمی برای اطلاع‌رسانی و تبیین است، اما مردم باید خروجی اقدامات شهرداری را در میدان عمل احساس کنند و این اصل، رویکرد محوری مدیریت شهری تبریز است.

وی با بیان اینکه توسعه «شهروندخبرنگاری» می‌تواند حلقه اتصال مؤثر میان مردم و مدیریت شهری باشد، افزود: در همین راستا، طرح سفیران محلات با هدف توسعه شهروندخبرنگار، احصای دقیق مسائل محلی و پیگیری منسجم مشکلات شهری راه‌اندازی شده است.

شهردار تبریز در ادامه از برگزاری تورهای رسانه‌ای

بازدید از پروژه‌های شهری خبر داد و تصریح کرد: شهرداری تبریز با هدف تبیین عملکرد دوره ششم شورای اسلامی شهر، بازدیدهای میدانی اصحاب رسانه از پروژه‌های عمرانی مناطق دهگانه را در دستور کار قرار داده تا خبرنگاران از نزدیک در جریان امور قرار گیرند و با شفافیت، نقش بیشتری در پیگیری روند اجرای پروژه‌ها داشته باشند.

وی با تشریح رویکردهای کلان مدیریت شهری گفت: گام‌های شهرداری تبریز در مسیر بهره‌برداری اصولی از منابع شهری، با هدف ارتقای کیفیت زندگی شهروندان برداشته می‌شود و افزایش رضایتمندی عمومی، هدف غایی مجموعه مدیریت شهری است.

شهردار تبریز توسعه حمل‌ونقل عمومی، نوسازی ناوگان و هوشمندسازی شهری را از محورهای اصلی فعالیت‌های این دوره برشمرد و افزود: توسعه زیرساخت‌های هوشمندسازی، افزایش بی‌سابقه دوربین‌های ترافیکی و اجرای حدود ۵۰۰ کیلومتر فیبر نوری از مهم‌ترین دستاوردهای این حوزه است.

هوشیار همچنین از نوسازی بیش از ۲ هزار دستگاه تاکسی در سطح شهر خبر داد و گفت: تمرکز بودجه‌ای این دوره مدیریت شهری، به‌طور ویژه بر حوزه حمل‌ونقل عمومی و توسعه مترو معطوف شده است.
شده است.
وی در پایان ضمن آرزوی توفیق برای مدیرکل جدید صداوسیماى استان، تأکید کرد: شهرداری تبریز آمادگی کامل برای همکاری با صداوسیما در زمینه تولید محتوای مؤثر و هدفمند شهری را دارد.

تاکسی در سطح شهر خبر داد و گفت: تمرکز بودجه‌ای این دوره مدیریت شهری، به‌طور ویژه بر حوزه حمل‌ونقل عمومی و توسعه مترو معطوف شده است.
شده است.
وی در پایان ضمن آرزوی توفیق برای مدیرکل جدید صداوسیماى استان، تأکید کرد: شهرداری تبریز آمادگی کامل برای همکاری با صداوسیما در زمینه تولید محتوای مؤثر و هدفمند شهری را دارد.

### تبریز شهری شاخص، منظم و تکیه‌گاه ایران است

ایوب‌نصیری،مدیرکل صداوسیماى آذربایجان‌شرقی نیز در این دیدار با اشاره به جایگاه ویژه تبریز و استان آذربایجان‌شرقی گفت: با شناختی که از تبریز و این استان راهبردی داشتم، مسئولیت را پذیرفتم و خود را وادار این شهر و خطه تاریخی و قهرمان آذربایجان می‌دانم.

وی کلاشهر تبریز را شهری اثرگذار در عرصه های مختلف اجتماعی، سیاسی و فرهنگی کشور توصیف کرد و افزود: این شهر برای نظام جمهوری اسلامی

**پیامبر اکرم (ص):**

استوار ترین شما بر صراط، کسی است که علاقه‌اش

نسبت به من و اهل بیتم بیشتر باشد

چهارشنبه ۱۷ دی ماه ۱۴۰۴ – سال نوزدهم – شماره ۳۴۷۹



ایران یک تکیه‌گاه مهم است و در نگاه بسیاری از ایرانیان، تبریز شهری تمیز، قاعده‌مند، زیبا و منظم با نظم فکری و عملی حاکم بر آن شناخته می‌شود.

نصیری با بیان اینکه استان آذربایجان‌شرقی در حوزه رسانه ظرفیت‌های فراوانی کار و رشد دارد، گفت: انتظارات از رسانه در این استان بالاست و امیدواریم با تلاش و همکاری همه اهالی هنر و رسانه در استان بتوانیم هویت دینی، تاریخی، فرهنگی و اقتصادی تبریز را در سپهر رسانه‌ای ایران بازتولید کنیم.

وی همچنین به برنامه‌های ملی پیش‌رو اشاره کرد و افزود: برنامه «ایران جان» در سال ۱۴۰۵ در استان برگزار می‌شود و برای تبریز برنامه‌های ویژه‌ای در حوزه بازنمای رسانه‌ای پیش‌بینی شده است.

مدیرکل صداوسیماى آذربایجان‌شرقی در پایان تأکید کرد: صداوسیما آمادگی توسعه همکاری با همه سازمان‌ها به‌ویژه شهرداری کلاشهر تبریز را دارد و ظرفیت‌های مجموعه شهرداری می‌تواند نقش مهمی در پیشبرد اهداف شهری و رسانه‌ای ایفا کند.



برای احداث سن روباز باغ موزه دفاع مقدس ۵میلیارد و ۵۰۰میلیون تومان است

## احداث دیوار سنگی در ادامه اجرای سن روباز

## باغ موزه دفاع مقدس

تمام بتن ریزی پله های سن روباز در محوطه مقابل ساختمان موزه دفاع مقدس که برای اجرای برنامه های مختلف فرهنگی و آموزشی توسط معاونت فنی و عمرانی منطقه ۲ به اجرا درآمده، این پروژه به مرحله احداث دیوار سنگی رسیده است.

طرح نو؛ گروه شهری

شهردار منطقه ۲ تبریز از ادامه عملیات اجرای سن روباز باغ موزه دفاع مقدس با احداث دیوار سنگی در قسمتی از این پروژه فرهنگی خبر داد. به گزارش امور ارتباطات، عباس هاشمی با اعلام این خبر گفت: با

**بازخوانی بحران آپارتمان‌نشینی در شهرهای امروز در گروه گزارش طرح نو:**

# «فرهنگ» گمشده در برج‌های بلند

نامناسب یا حتی بی‌توجهی به نظافت فضاهای مشترک جریمه‌های مشخصی تعیین شده است. در ایران نیز می‌توان با تدوین مقررات محلی و الزام به رعایت آیین‌نامه‌های داخلی ساختمان‌ها، نظم بیشتری برقرار کرد. اما اجرای هر قانونی بدون فرهنگ‌سازی، نتیجه‌ای جز اختلاف و فرسایش روابط انسانی ندارد. نقطه آغاز این تغییر، آموزش است، از کودکی تا بزرگسالی.

مشکلات را قابل تحمل می‌کند.»

این روایت، شاید صدای بسیاری از شهروندانی باشد که در آپارتمان‌ها زندگی می‌کنند. تفاوت سلیقه‌ها، سبک زندگی‌های گوناگون و نبود درک مشترک از «قانون آپارتمان‌نشینی»، چالش‌ی روزمره است که هر مجتمع کوچک یا بزرگ با آن دست‌وپنجه نرم می‌کند.

### فرهنگ، حلقه مفقوده در شهرسازی امروز

برخلاف تصور عمومی، فرهنگ آپارتمان‌نشینی موضوعی سطحی یا گذرا نیست. چگونگی محاوره با همسایه، شیوه تقسیم هزینه‌های مشترک، نحوه رفتار کودکان در محیط عمومی، میزان صدای موسیقی و حتی پوشش مناسب در فضاهای شاع، همه زیرمجموعه فرهنگ زندگی جمعی‌اند.

کارشناسان معتقدند نهادهای آموزشی و رسانه‌ها باید پیش از گذشته به آموزش این مسائل بپردازند. آپارتمان صرفاً محل سکونت نیست، یک نهاد اجتماعی کوچک است. کودکانی که در این فضا رشد می‌کنند، نخستین تجربه‌های ارتباط جمعی خود را از همین محیط می‌آموزند؛ از سلام ساده به همسایه تا رعایت نوبت در آسانسور. اگر فرهنگ هم‌زیستی در این فضا شکل نگیرد، کودکان نیز همان بی‌نظمی و بی‌تفاوتی را به جامعه بزرگ‌تر منتقل خواهند کرد.

جامعه‌ای که آپارتمان‌نشینی در آن فراگیر می‌شود، به فرهنگی نو نیاز دارد. رسانه‌ها می‌توانند از طریق برنامه‌های آموزشی و گزارش‌هایی چون این، نقش مؤثری در جا انداختن اصول زندگی جمعی ایفا کنند. اما به گفته کارشناسان، آگاه‌سازی بدون پشتوانه قانونی، دوام چندانی ندارد.

در بسیاری از کشورها برای مزاحمت‌های صوتی، رفتار



از زندگی در این مجتمع را چنین روایت می‌کند:

«ما هشت واحد هستیم و هر طبقه دو خانواده زندگی می‌کنند. با وجود تمام مزایای آپارتمان، مشکلاتی هم داریم. صدای تلویزیون‌ها زیاد است، طبقه بالا شب‌ها مهمان دارد، و بچه‌ها در خانه فوتبال بازی می‌کنند. مدیر هم هر شش ماه عوض می‌شود و کسی واقعاً مسئولیت‌پذیر نیست.»

او می‌گوید نظافت راه‌پله‌ها دیگر جزو برنامه ساختمان نیست و هر کسی در عمل ساز خودش را می‌زند.

«هشت واحد هستیم و هیچ‌کدام شبیه هم نیستیم. اما با همه دشواری‌ها، احساس امنیت داریم. با این حال همسایه خوب نعمتی است که اگر باشد، خیلی از

خانه‌های قدیمی وارد آپارتمان می‌شویم، جایی که داشتن حریم خصوصی به معنای بستن در و انجام هر کاری در پشت آن بود. اما امروز، چهاردیواری دیگر اختیاری نیست؛ اختیاری مشروط به رعایت حقوق دیگران است.

از منظر جامعه‌شناسی، موفق‌ترین جوامع شهری آنهایی هستند که بین زندگی مدرن و رفتار فرهنگی تعادلی آگاهانه برقرار کرده‌اند. در چنین جوامعی، احترام به همسایه همان‌قدر مهم است که پرداخت هزینه شارژ یا رعایت قوانین ساختمان.

### روایت از یک ساختمان هشت‌واحدی

مهرک، یکی از ساکنان آپارتمانی در شمال شهر، تجربه‌اش

طرح نو؛ شیوا صفری

«چهاردیواری اختیاری است» جمله‌ای قدیمی و پرکاربرد که سال‌ها در فرهنگ گفتاری ما تکرار شده، اما در زندگی شهری امروز دیگر چندان قابل دفاع نیست. در زمانه‌ای که آپارتمان‌نشینی شکلی فراگیر به خود گرفته، نمی‌توان اختیار را بهانه‌ای برای نقض حقوق دیگران دانست. مرز میان آزادی فردی و مسئولیت اجتماعی در دیوارهای بتنی ساختمان‌ها باریک‌تر از همیشه است و اگر قرار است در یک چهاردیواری زندگی کنیم، باید بپذیریم که دیوارها صدا دارند و همسایه‌ها حقی مشروع.

زندگی در آپارتمان فقط تقسیم یک فضا نیست؛ تقسیم قانون و فرهنگ است. اگر تا چند دهه پیش خانه‌ها حیاط داشتند و فاصله‌ای طبیعی میان همسایگان برقرار بود، امروز همه چیز در یک ساختمان چند طبقه خلاصه شده است؛ آسانسور، پارکینگ، بام، انباری، حتی دیوارهای نازکی که صدای یک واحد را به دیگری منتقل می‌کنند.

قانون در این میان حکم چارچوب دارد، اما تنها قانون کافی نیست. فرهنگ زندگی جمعی همان حلقه گمشده‌ای است که نبودش منشاء بسیاری از تنش‌های روزمره شده است. رفتارهایی به ظاهر ساده چون صدای بلند تلویزیون، برگزاری مهمانی‌های شبانه، بستن در آسانسور با شدت یا بی‌توجهی به نظافت راه‌پله‌ها، همگی نشانه‌هایی از کمرنگ شدن فرهنگ آپارتمان‌نشینی‌اند.

در روایتی از پیامبر اکرم(ص) آمده است: «بهترین همسایگان نزد خدا، نیکوترین آنان نسبت به همسایه خویش است.» این جمله کوتاه، خلاصه تمام قانونی است که شهرنشینی امروز ما به آن نیاز دارد.

شهرها رشد کرده‌اند، برج‌ها بالا رفته‌اند، اما آیا فرهنگ آپارتمان‌نشینی نیز هم‌پای این پیشرفت رشد کرده است؟ شاید پاسخ منفی باشد. بسیاری از ما هنوز با ذهنیت